

در صفحات دیگر این شماره:

- پیام شیخ عزالدین حسینی به خلقهای ایران - صفحه ۴
- گرانی: فرزند طبیعی نظام سرمایه داری (۲) - صفحه ۶
- دهقانان و جنبش انقلابی (۲) - تاکتیک کمونیستها در برخورد با افشار دهقانی - صفحه ۵
- چهره عریان رویونیسیم در هنر (۳) - هنر رویونیسیتی مبلغ آشتی طبقاتی - صفحه ۸

اطلاعیه وحدت با: اکثریت بیان حیدر عمو اوغلی، گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر و بخش انشعابی از اتحاد مبارزه در راه آرمان طبقه کارگر.



جنبش کمونیستی مهن ما ازیرا کنگدی و ارتست اندتولوزیک - سیاسی رنج میسرده، برا کنگدی وستی که خود متناور مینه سبارق صفها و سبازریها و انحرافات است. طبیعی است که این وضعیت اثر سلاطین خود را در امر رهبری و هدایت جنبش کارگری و جنبش توده - ای بصورت سرور صفها و انحرافات گونه گون باقی میگذارد. مسئله ای که امروز ما شاهد آن هستیم بصورت دیگر درست در شرایطی که جنبش توده ای با دامنه گسری بیش از پیش و اعتلا بیش می رود، کمونیستها دلیل پرا - کنگدی و سنت درونی خود در شرایط سیاسی پرا گرنه اند و طبیعی است که این واقعیت تلخ نیروهای درون جنبش کمونیستی را تحت فشار قرار داده و به جاره جوئی و امیدارد. - صفحه در صفحه ۱۲

کودتا: نوظنه های امپریالیستی برای سرکوب جنبش خلق و نیروهای انقلابی

همه گنده سه طرح یک کودتا ی ارضاعی و ضد خلقی، از جانب محافل فوق ارضاعی مستقیم و غیر مستقیم امپریالیسم آمریکا در ارتش ضد خلقی ایران و در آستانه اجرای آن کشف و حجتی شد. این کودتای ارضاعی در شرایطی طراحی شده بود که جنبش انقلابی خلقهای مهن ما مراحل حسانی را پشت سر میگذراند. جنبش انقلابی توده ای که به دستا وردهای گرانسپاشی رسیده است و بر حفظ دستا وردهای دستام شهرمان تا بهین ما بهای مستغرد، از هر سو مورد تهاجم امپریالیسم و ارضاع قرار دارد. نهاد و بحر ان اقتصاد - اجتماعی جامعه، حطت ارضاعی رژیم جمهوری اسلامی، نهاد دین هشت حاکمه و خصوصاً حاکم حده بورژوازی آن با امپریالیسم آمریکا در چارچوب نهاد انقلاب جهانی نوظنه های امپریالیستی و بویژه امپریالیسم آمریکا و عمال آنها در ایران، نهاد و بحر ان انقلابی و رند جنبش توده ای در سبزه املاقی انقلابی، توسعه رانسیها و... مجموعه عواملی هستند که بر حسب تقیبه در صفحه ۲

اعلامه سازمان در رابطه با حملات اخیر رژیم به دکاداران رجمکش:

برچیدن دکه ها، سرکوب زحمتکشان

صفحه ۱۶



چهره عریان هیئت حاکمه در رویدادهای اخیر و سخنی با مجاهدین خلق ایران (قسمت آخر)

البته این خطی بود که بصورت سیستماتیک آن حتی از جریان نوار آیت، آغاز شده بود. و... از طبقه های متعدد و اساسی این خط مشی هجوم نظامی - سیاسی گسترده به کردستان، سرکوب، قتل از "میشاق و حدت" بود. لیکن این تهاجم وسیع به کارخانجات و مملکتی گسردن زحیر میمانست با حلقه های جدیدی کاملاً سرگردان و این حلقه ها درست آن حلقه هائی بود که جناحهای مختلف هیئت حاکمه قتل آن چندان بر سر آن وحدت نداشتند و مهمترین آن اعمال سیاست سرکوب و تهاجم در مورد نیروهای دمکرات مذهبی و در راس همه سازمان مجاهدین خلق بود که در مورد آن دونا کتیک و دوروش مختلف در درون هیئت حاکمه آنها، تحت پیگرد قرا دادن عناصر وابسته وجود داشت. - صفحه در صفحه ۱۰

پیدای ۲۳ تیر ماه نخستین اعتصاب خونین کارگران جنوب

صفحه ۳

محاکمه مبارزین سابقه محمد تقی شهرام شروع شد

- هدفهای رژیم را ازیرا، نهاد خلق با صلاح حاکمه شهرام، فنا کیم
- ده ع از شهرام ده ع از یک انقلابی سالهای سیاه دیکتاتوری و عقبه کمونیستها و دیگر نیروهای انقلابی می باشد.
- با ده ع از شهرام ما تبع از محدودش شدن بر تضاد و اختلافات درون خلقی و تضاد خلق با ارتجاع و امپریالیسم گردیم.

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

گودتا ...

بقیه از صفحه ۱
تضادهای موجود افزوده و به سیراوضاع سیاسی تاثیر میگذارند. براساس تحلیل این سلسله تضادهای موجود در جامعه بود که ما تحلیل خود را از سمت و سوی حرکت استاجتسابنا پذیریم. در پیکار ۵۴ و ۵۵ از آنجا که ما و اجتنابنا پذیر بودیم "جنگ داخلی" را مطرح ساختیم. طرح کودتای ارتجاعی اخیر، حلقه دیگری از رشته تضادهای فوق را ظاهر ساخته و خود بر شدت گیری بحران اجتماعی و سیاسی موجود افزود.

ما هیت گودتای "ارتجاعی هفته پیش چیست، امیریا - لیمت آمریکا و عمل جنایتکارش چه هدفی را از انجام آن به پیش میبردند، نقش و موقعیت جناحهای هیت حاکمه کدام است و تحت شرایط موجود پس از کشف کودتای ارتجاعی در بهره گیری از اوضاع بنفع خویش و در تضعیف جناح مقابل چه برنامها می دارند؟

سیاست هیت حاکمه در سرکوب انقلاب و دفاع از سرمایه اری و بسته، مورد تأیید امیریا لیمت است. همه جناحهای هیت حاکمه و امیریا لیمت جناح ارتجاعی آمریکا (هر چند از مواضع متفاوت) سرکوبگر جنبش انقلابی بوده ها و مدافع سیستم سرمایه داری وابسته هستند. حرکتی که رژیم جمهوری اسلامی بمثابه مدافع نظام حاکم بر جامعه، در طول ۱۶ ماه گذشته در فضا با تداوم انقلاب و پیشرفت جنبش رو- بر شدت یافته ها سرکوب آنها انجام داده است، این مسئله را **بازها و بارها** به توده ها ثابت کرده است. خون پاک که از **توده ها پیکارجوی دلاور خلق در کردستان، ترکمن صحرا، در دهانگاها، خیابانها، در میدان تیرو...** بدست هیئت حاکمه و ارگانهای سرکوبگرش بر زمین ریخته شده است، بیان این واقعیت است که توده های انقلابی سرور دورا ن **توهم خود را نسبت به رژیم حاکم پشت سر گذاشته و با امتلاقی نهی انقلابی هر روز بیشتر این رژیم را تحت فشار جنبش توفنده خود قرار میدهند.** مبارزه توده ها علیه امیریا لیمت و سرمایه داری وابسته جز از امرای مبارزه با حکومتی که در جلوتان قدر بسیار یافته است و بی رحمانه تمام دستاوردهای قیام بهمین ماه از برپا میگذارد، ممکن نیست **هیت حاکمه و سرکوب و از نظام موجود دفاع میکنند؟ و این لحاظ سیاست آن مورد تأیید امیریا لیمت و سرمایه داری است که هدف مشترک را دنبال میکند.**

تضاد و جناح هیت حاکمه و جنبش انقلابی توده ها
تشبیهت حکومت است. مادر باره و تضاد دو حجت و دو جناح قدرتمند هیت حاکمه بر سر مسائل مختلف قبلا بارها صحبت کرده ایم. این تضاد که خود معلول جنبش رشد یابنده توده هاست، هر روز جاندار تر میشود. جناح بنی مدین و لیسرا لها که متکی به ارتش، دستگاه های دولتی کهنه و... هستند، امروز در مقابل جناح حزب جمهوری اسلامی که متکی به کنبه ها، پاسداران، داکاهای انقلاب و... میباشد **آشکارا جنگ درندگان نشان میدهند و علی رغم وحدت گوتاه - مدستان (مانند وحدت کوتاه مدت بعد از "میتاق وحدت" در "شورای انقلاب") تضاد هایشان همواره بروز میکند.** این تضاد درونی هیت حاکمه خود با عت شده که این دو جناح **دا شایکد بگرا افشا و تضعیف کنند.** مجدداً با عت هوشیاری توده هائسبست به جریانات سیاسی و نیز حوادث پشت پرده شده و بر حدت تضاد توده ها با هیت حاکمه میافزاید. وجود این تضاد در درون هیت حاکمه اکنون خود یکی از عوامل ناپایداری سیستم حکومتی و عدم تشبیهت آن است. گرچه هر دو جناح خواهان آنند که حکومت را هر چه زود تر به سرکوب جنبش توده ها، بنفع جناح خود تشبیهت کنند. لیکن وجود این تضاد و نیز باسایا امتلاقی جنبش انقلابی نشان میدهد که آنها ناتوان از سرکوب انقلابند. آنها هر چه بیشتر سرکوب میکنند، توده های بیشتر به مبارزه بر میخیزند و جنبش توده ای دامنه و رشد بیشتری مییابد و باز دوباره تضاد درونی

هیت حاکمه حادث میشود. ادامه این حرکات بمعنی ادامه کسبکنی و ناپایداری وضعیت کنونی است. ولی از آنجا که سیستم حکومتی بخشی از توده های ناگه را بدینحال خود دارد. همراه با تشبیهت تضادها و تداوم بحران انقلابی نتیجه اجتنابنا پذیر این تحولات عیار است از جنگ داخلی که مادر گذشته از آن سخن گفته ایم. آیت الله خمینی بمثابه مدافع کل هیت حاکمه از هر دو جناح پشتیبانی و حمایت میکند. **چه به حزب جمهوری اسلامی نزدیکتر است.**

امیریا لیمت آمریکا خواهان یک قدرت متمرکز بورژوازی در قدرت سیاسی است. تجربه ۱۶ ماه گذشته نشان داد که امیریا لیمت آمریکا برای تشبیهت نظام موجود، یعنی سیستم سرمایه داری وابسته نیازمند خواهان شیبات در قدرت سیاسی بورژوازی است. همین تجربه نشان داده است که خرده بورژوازی مرفه سنتی، علی رغم اشتراک منافعی در کل نظام سیاسی کنونی و نیز در عا رکل نظام اقتصادی - اجتماعی موجود، فاقد آن تطبیق ارگانیک با زیربنای این نظام است، و در امریازای سیستم پیوسته اخلال و آتارشی ایجاد میکند. **و از این لحاظ امیریا لیمت آمریکا دارای تضاد مشخصی است.** بهمین جهت در طی این دوران سیاست عمومی امیریا لیمت آمریکا حتماً به جناح بورژوازی "لیبرال" در قدرت حاکمه و تضعیف جناح خرده بورژوازی آن بهر طریق ممکن بوده است. چرا که "لیبرالها" تطابق قابلیت و توان بسیار بیشتری در اجرای سیاست بازسازی سیستم و تشبیهت قدرت سیاسی منتاسب با آن را دارند. لیکن همین تجربه نشان داد که مدت بحران انقلابی روندر شد و امتلاقی جنبش و نیز از **همگسختگی اوضاع اجتماعی - اقتصادی - سیاسی جامعه،** آنچنان شرایطی را فراهم کرده است که حتی جناح بورژوازی "لیبرال" نیز با سیاستی که تاکنون در پیش گرفته است، ناتوان از تشبیهت اوضاع نموده است. قابلیت و "فرا ست" بورژوازی "لیبرال" در عت شرایط موجود نیز تاکنون نتوانسته است، تا تشریح تعیین کننده در شیبات بخشیدن به قدرت سیاسی حاکم، داشته باشد. همین بین بستها و اوضاع پیچیده و گسسته شده است که امیریا لیمت آمریکا را به سمت تضاد درونش را از قبیل همین گودتای اخیر سوق میدهد که پیش بینی شکست آن از همان ابتدا نیز امر دشواری نمیخواست باشد. امیریا لیمت آمریکا مایوس از توان بورژوازی "لیبرال" در تنظیم بخشیدن به قدرت حاکم و تشبیهت اوضاع و دل چرکین از تابشگری خرده بورژوازی مرفه سنتی برای مقابله با پیشرفت انقلاب و تعیین منافع ارتجاعی و غارتگرانه اش بناچار به جنبش ناکنک - هائی در پیشبرد سیاست ارتجاعی اش پناه برده است. طرح توطئه خا شنا نه گودتا توسط عده ای از فرماندهان ارتش در هفته پیش جزئی از این سیاست عمومی جنبش است. کارانه و ضد خلقی امیریا لیمت آمریکا در ایران است. همان فرماتدهائی که توسط همین رژیم با ملاحضه امیریا لیمت از مایهای اولیه پس از قیام، در اسرارگان - های سرکوب ارتش، شهریاری و... بگا رگما رده شدند و به سرکوب خلق پرداختند. (تظنیر شهید مهدیون، ایسن عسرفا عد مزدورا امیریا لیمت و سپهبد محقق نظامی بر آنها که برخی از آنها حتی تا آخرین لحظات عمر سنگین رژیم تا بهکا زکشتار خلق مشغول بودند)، کمونیستهای انقلابی نخستین کسانی بودند که از نخستین روزهای بعد از قیام ما هیت ضد خلقی ارتش و ما هیت تشبیهت کننده همین فرماندهان مزدور را برای توده ها افشا کردند و متقا بلا هر ان سیاسی رژیم جمهوری اسلامی از آن زمان تاکنون از اینان و این مثلشان دفاع و حمایت همه جانبه کرده ایم. گسسته و فقط دفاع کرده و می کنند بلکه آنها را در برابر ارتش نیز قرار داده اند. **ز جمله میدا نیم که سپهبد مهدیون فرمانده انتصابی جناح بازرگان برای نیروی هوائی بود!**

این طرح خا شنا نه گودتا بیان این واقعیت است که امیریا لیمت آمریکا با آکا هی به نا توانی بورژوازی "لیبرال" در تشبیهت اوضاع، به جنبش توده ها و ناکنکها - شی روی آورده است تا با توسل به آن حتی الامکان برای غلبه بر بحران سیاسی - اقتصادی - اجتماعی موجود بنفع حلقه منافع ضد خلقی و غارتگرانه خود قدرت متمرکز و سرکوبگری را روی کار آورده که نظام سیاسی موجود را برپا به سرکوب و کشتار خلق، شیبات بخشد. اما یک حساب برابری گشتی نشان میدهد که امیریا لیمت آمریکا چه قدر کورویی "منطق" عمل میکند. وضعیت موجود بهیچوجه و حداقل در مقطع کنونی، چنین شرایطی را برای بشور رسیدن این طرح خا شنا نه و ارتجاعی از جانب امیریا لیمت، فراهم نمیشود. **زود بنا بر این در ک شکست این توطئه از قبیل و تحت شرایط موجود کار چندانی دشواری نمیتوانست باشد.**

در شرایط وجود امتلاقی انقلابی هیچ حکومتی که مستقیماً و آشکارا دست نشانده امیریا لیمت آمریکا باشد قادر نیست با دگی بر مسند قدرت بنشیند و حاکمیت ضد خلقی خود را تشبیهت کند. اما این امر بنا بدیمعنا ی فرا موش کردن این واقعیت باشد که **ولاد امیریا لیمت در آینده دست به جنبش برنامها ی ارتجاعی نخواهد زد.** **ولاد امیریا لیمت آمریکا بهر حال میکوشد تا با سوار شدن بر موج ارتجاعی توده ها و با بهره گیری از خلالتی از سئودیک قطب انقلابی نیرومند و متشکل در جنبه خلق، با اتکا به اقسا مرفه و سوسو استفاده از تمایلات اقسا رهیی تضاد و تجمعه و وضعیت کنونی، زمینه استقرار نظام ارتجاعی مورد نظر خود را فراهم سازد.**

باری دوران کنونی در کشور ما از دیدگاه و سیاست امیریا لیمت آمریکا عیار است از دوره متمرکز هر چه بیشتر تضاد انقلاب در ایران برای مقابله با جنبش خلق و اوضاع ناپس مان کنونی.

ولی این طرح به کجا انجام میدوی آتدهای آن چیست؟

اولاً - همه جناحهای حاکمه برای "فدا امیریا لیمت" نشان دادن خود کوشش میکنند تا با بهره گیری از اقدام ارتجاعی و شکست خرده امیریا لیمت آمریکا توهم توده ها را دامن زده و برای حفظ قدرت سیاسی و منافع طبقاتی خود، توده ها را دستخوش توهم نموده و سیستم را برپا به تمایلات خود با زنی کنند.
ثانیاً - کشف توطئه در مقیاس وسیعتری تضادهای درونی هیت حاکمه را تشبیهت کرده است. حزب جمهوری اسلامی، جناح لیبرالها را بشدت زیر حملات خود گرفته است و با دامن زدن به این امر که توطئه و طرح کودتای ارتجاعی امیریا لیمت آمریکا و مزدورانش اساساً بر علیه انقلاب و جنبش توده ای نبوده بلکه بر علیه "انقلاب اسلامی" و مدافعین "مکتبی" آن (جناح حزب جمهوری اسلامی) بوده است. تحت همین شرایط جناح حزب جمهوری اسلامی در قدرت سیاسی با بهره گیری از شرایط حاضر دست به تعرض بر علیه جناح بنی مدزده است (حمله حزب جمهوری اسلامی بطور مشخص به جنبه ملی و بطور تلویحی به بنی صدری از کودتای ارتجاعی اخیر). حزب جمهوری اسلامی از این موقعیت برای تقویت جناح خود و تضعیف جناح لیبرالها استفاده میکند (عوض کردن تعدادی از فرماندهان ارتش درخوستان و گماردن پاسداران توسط غرضی که با اعتراض بنی - مدزور و برود و مطرح شدن مسئله تقویت پاسداران و کمیته ها و آموزش به آنها، دستگیری با قری محسوب بنی مدزور و پاسداران حزب و...). لیبرالها و کسلا بورژوازی و بنا بدگان آن در دولت و ارتش و... نیز از سوی دیگر و تحت زنده و با موضعی دفاعی برای بر طرف

جنبش کارگری



تحصن کارگران مبارز ساکا برای آزادی نمایندگان خود

بعلمت درگیری بین عده‌ای از کارگران و نماینده گان نشان با کارفرما ۶۰ نفر از کارگران و نماینده کارگران این کارخانه دستگیر و به زندان اوین برده شدند. یکی از دستگیرشدگان "احمد کرمی حمصاری" نماینده مبارز کارگران است. این کارگرمبارز در زمان رژیم شاه‌خا شن بدلیل نقش فعالش در مبارزات کارگری به زندان افتاده. این بار نیز بعلمت مقاومت در برابر کارفرما، توسط رژیم جمهوری اسلامی دستگیر شده است. کارگران مبارز ساکا برای آزادی کارگران زندانی و برگرداندن آنها به کارخانه دست به تحصن زدند که در نتیجه به نفع زندانیان آزاد شد و فقط احمد کرمی حمصاری حمارک در زندان باقی است.

تفتیش و بازرسی بدنی در قرقه زیبا

از چند وقت پیش تفتیش بدنی و بازرسی تمام کارگران در کارخانه قرقه زیبا شروع شده است. دو پاسدار مسلح جلودر کشیک می دهند و نفرنگهبان دیگر، تمام جیبها و زیرلبها سها و جراب کارگران را میگردند تا میا داکسی اعلامیه بداخل کارخانه بیورد. کارگری در این مورد گفت: هر موقع که شوراچی و کمیته‌چی، هادسته‌گلی به‌آب میدهند از ترس اینکته دستان بوسيله اعلامیه رونشود، همه رابازرسی میکنند. آری رژیم‌های ارتجاعی از آگای کارگران و زحمتکشان همیشه هراسناک بوده و هستند. لذا برای جلوگیری از آگای شدن کارگران، تفتیش و بازرسی بدنی انجام می دهند تا میا د اعلامیه‌های افشاگرانه باعث آگای شدن کارگران گردد.

اعتصاب کارگران مبارز قطار عادی تهران - خرمشهر

روز ۵۹/۴/۷ قطار عادی تهران - خرمشهر بخاطر عدم وجود امکانات رفاهی دست به اعتصاب زدند. برای شکستن این اعتصاب از طرف مرکز آزابستگاه - های قموا راک تعدادی کارگرمبارز شده‌اند اما هیچکدام از کارگران دوا بستگاه فوق جافره به کار و شکتستن اعتصاب کارگران قطار تهران - خرمشهر نشدند. در نتیجه کارمندان قطار مذکور برای اعتصاب شکنسی بهوش کارگران شروع بکار کردند. خواستهای کارگران اعتصابی عبارت از آغافه شدن یک کیلومتر از حق مسکن، تنها غوزی دادن سرویش از تهران و... بود. تا بحال از نتیجه اعتصاب این کارگران مبارز خبری نرسیده است.

جاودان باد خاطره شهدای کارگر مبارز وقت جنوب

● کارگران در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ خشم و نفرت خود را از امپریالیسم انگلیس و عامل جیره خوار داخلیش با اعتصاب عظیم و صد هزار نفری خود که تا آن زمان بیسابقه بود و سراسر تأسیسات نفت جنوب را در بر میگرفت ابراز داشتند.

در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران روزهای خونین بسیاری ثبت است. اما برخی از این روزها به لحاظ سطح مبارزه‌ای که در آن جریان یافت از اهمیت بیشتری برخوردار است که از جمله میتوان به دوروز ۲۳ تیرا اشاره کرد. ۲۳ تیر ۱۳۲۵ و ۲۴ تیر ۱۳۲۵ در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ کارگران مبارز نفت جنوب سار دیگر نقش بارز خود را در مبارزات کارگری ایران به نمایش گذاشتند.

بدنبال سقوط دیکتاتورنوی سها و رفاخانی و آژادی نسبی ایکه برای توده‌ها بدست آمده بود، سطح آگای کارگران و زحمتکشان نسبت به گذشته رشد قابل ملاحظه‌ای کرد و آنها بیش از پیش نسبت به حقوق خوبیش آشنا میشدند. در این میان کارگران مبارز صنعت نفت که از نزدیک شاهد استعمار و سلطه جوشی امپریالیسم انگلستان از طریق کمپانی نفت بودند با همبستگی و ایجا دستکلیات کارگری مبارزات خود را علیه دولت دست نشانده قوام السلطنه و امپریالیسم انگلستان شدت بخشیدند.

در ۱۴ اردیبهشت سال ۱۳۲۵ نزدیک به ده هزار نفر از کارگران و کارکنان صنعت نفت آغا جاری سها خواستهای منفی دست به اعتصاب زدند. اعتصاب این کارگران پس از ۱۵ روز (۲۹ اردیبهشت) و بدنبال قول کتبی هیئت اعزامی شرکت نفت مبنی بر پاشی - گویی به خواستهای آنان با پایان پذیرفت.

از جمله خواستهای این کارگران پرداخت حقوق روزهای جمعه بود که شرکت نفت انگلیس شرط قبول آن را تصویب قانون کار اعلام کرد. که در ۲۸ اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۵ لایحه آن از طرف هیئت دولت بصورت تصویب نامای مادر گردید.

اما کارفرمایان انگلیسی در عمل از اجرای این قانون (ماده ۶ قانون کار) که در ۲۸ اردیبهشت سها بدنبال اعتصاب پیروزمند کارگران آغا جاری تصویب شده بود و بر اساس آن کارفرمایان می باید حقوق روزهای تعطیل را به کارگران پرداخت میکردند، سر با زدند. در این رابطه و به نشان اعتراض به عدم اجرای ماده ۶ کلیه کارگران و کارکنان صنعت نفت از صبح با زده تیرماه در سراسر مناطق نفتخیز غوزستان از جمله آغا جاری، مسجد سلیمان، اهواز، آبادان، گچساران

بندر محشور و... دست به اعتصاب زدند. شرکت نفت برای اجرای ماده مذکور بایزده روز مهلت خواست. اما پس از انقضای این مهلت همچنان از ابراز سها ماده فوق خودداری نمود.

سرانجام کارگران در ۲۳ تیر ۱۳۲۵ خشم و نفرت خود را از امپریالیسم انگلیس و عامل جیره خوار داخلیش با اعتصاب عظیم و صد هزار نفری خود که تا آن زمان بیسابقه بود و سراسر تأسیسات نفت جنوب را در بر میگرفت ابراز داشتند.

برخی از خواستهای آنها عبارت بود از:
۱- قطع نفوذ شرکت نفت انگلیس در امور سیاسی و داخلی ایران

۲- برکناری مصباح فاطمی استاندار غوزستان
۳- خلع سلاح عشاری جنوب
۴- اجرای کامل قانون کار (از جمله پرداخت حقوق جمعه‌ها به کارگران)

اما اعتصاب آرا کارگران در همان روز نخست خود مورد تهاجم وحشیانه نیروهای ارتجاعی از جمله سرایان و "تخا دبه عشاری" قرار گرفت. کارگران قهرمان در برابر تیراندازی و حملات نیروهای مذکور به مقاومت برخاستند و تا ساعت ۱۲ شب ۲۷ کارگر رزمنده نفت شهید و ۱۷ نفر زخمی شدند. در این تهاجم حتی با تگها و انجا دبه‌های کارگری مورد حمل و چپا ول قرار گرفت.

در اعتراض به این کشتار وحشیانه و به نشانه پشتیبانی از خواستهای سرحق نفتگران، کارگران و زحمتکشان دیگر شهرهای ایران با برپاشی میتینگ و تظاهرات خشم خود را نسبت به امپریالیسم انگلستان و عامل داخلیش نشان دادند.

دولت دست نشانده قوام السلطنه پس از کشتار وحشیانه کارگران صنعت نفت، هیئتی چهار نفره مرکب از مظفر فیروز و معاون نخست وزیر، آرا مشحون را در دمشق و کنجودت را به غوزستان اعزام داشت. رهبر خیر یعنی رادمنش وجودت از طرف حزب توده که در آن زمان در آستانه همکاری با دولت و سها رگتت هی کابینه ارتجاعی قوام قرار داشت، ما مرشده به هیئت این هیئت توانست با قول و قرارهای نظیر سیه‌گویی به خواستهای کارگران و سها که و مجازات علیین کشتار، اعتصاب کارگران را به شکست بکشاند. اما دولت نه تنها مسئولین آن جنابات را آزاد گذاشت بلکه رهبران اعتصاب را دستگیر، زندانی و تبعید نمود.

به این ترتیب حزب توده سندی دیگر از ضایعات خود به کارگران و زحمتکشان و همدستی با عمل امپریالیسم در تاریخ مبارزات طبقه کارگر ایران به ثبت رسا نید که میتوان آن تجربه بزرگی برای کارگران ایران در شناخت این حزب باشد.

روزی تا مه مردم در سها ره ۳۹ خود، آنجا که سها "تجربه" ۲۳ تیر سها میگوید بدون کوچکترین اشاره ای به غیبت خود فرصت طلبانه از کارکنان میگذرد! با توجه به سابقه و مهارت این حزب در تحریف و قایع و دروغپردازی از هما کتشن میتوان پیش بینی کرد که در سها ره ۲۳ تیرا سال نیز همچنان که سال قبل سها سربوشی بر روی واقعات از کارکنان بگذرد. ادا سها ره.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلقها و مسئله ملی



پیام شیخ عزالدین حسینی

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام به خلق های ایران!

خلقهای رزه خیزه ایران!
زادبخواهان سراسر کشور!

اکنون دوام از جنگ خمینی در کردستان می - گذرد. در اس دو ماه ارتش و پاسداران ارتجاع از هیچ حمایت و کشتاری در کردستان درخ نکرده اند. سیاستها چو سرکوب، سمنارانیهای هواشی، گلوله باران و سوپ باران مداوم و شهرها و روستاهای کردستان و کشتاری سیرخمانه مردم سد فاع به نهایت درخساز و خستگی و خنوت رسیده است.

حسایات هبات حاکمه در سنج و مغربا به بقدری هولناک است که خلق کرد در طول ۵۰ سال سلطنت و حمایت خاندان سنگین پهلوی هرگز نظا بر آنرا ندیده است.

اخرا طرحی شامل ۱۹ بند طرح مشترک ارتش و سپاه پاسداران با مشاوره فدرالیست جمهوری در مورد کردستان بدست یکی از نیروهای ملی کردستان امضاء شده است. افشای این طرح بیرونی و وضوح نقشه های پلید و سیاستهای ضد مردمی هبات حاکمه ارتجاعی در مورد کردستان و خلق کردستان میدهد. این طرح در واقع سند رسوای جنگ افروزان و مهاجمین به کردستان است.

برای هراتقلابی و هراتزادبخواه ایرانی ننگان دهنده و چندی از راست که این طرح سردمداران جمهوری با صلاح اسلامی جقدر سیاستهای سلطنت ۵۰ ساله پهلوی در مورد کردستان هماهنگ و منطبق است. بدون تردید همه خلقهای ایران، پس از آن مبارزات خونین مشترک و سببهای درختان و متحدانه علیه نظام پیوسته و ظالمانه آنها می، اکنون از آادامه دقیق و شیوه دار سیاست دوران سلطنت علیه خلق کرد بر اثر زنجیر و انحرار میکنند.

رژیم شاه سعی نمیکرد از اتحاد مبارزاتی خلقهای ایران جلوگیری بعمل آورد و خلقهای ایران را یکی پس از دیگری و جداگانه سرکوب نماید. سیاستی که از زمان رضاخان تعقیب میشد. هبات حاکمه کنونی دقیقا همین سیاست را دنبال میکند و در بند ۱۱ از طرح ۱۹ ماده ای مینویسد:

«ما نال کردستان با آادامه تبلیغاتی ارتطرا بر اقلیتها ی قومی دیگری اهمیت جلوه داده شود. آادامه تلویزیون آرا با سی فیدی تلفی نماید.»
رژیم کبونی که در مقابل خواست اکثریت عظیم و فریب نماندنی خلق کرد در مورد خود مختاری جرئت

نمی صرح آنرا نداشت، به عوام قریبی متوسل میشد و کرات اردها ن سردمداران مختلف را اعلام میکرد که جنش معاومت خلق کرد بر سر کلمه دعوا میکند و گرنه خودگردانی با خود مختاری چه فرقی دارد، و اوا بکپی هر کس در ایلام خود مختار است!

اکنون به سیاست واقعی هبات حاکمه در مورد مسئله ملی و خود مختاری نظری سیاستنازم: "بند ۱۱ - چون خود مختاری کردستان با اعتا از همپا شدگی وحدت اسلامی و عدم حاکمیت دولت در جمهوری اسلامی است و لذا این مسئله با انقلاب اسلامی سوازش ندارد. با بداین افکار ملی گرا با نهر برای همیشه نمانده گرفت."

در دوران شاه ما مورس دولتی و افسران و سردور - ان کرد را حتی المقدور به مناط غیر کرد میفرستاد - ندنا بدستوسلدا برزدگی و ارتناط آنها با جنش ملی و آادبخواهان ه خلق کرد جلوگیری بعمل آورد.

طرح رژیم جدید سردمدار در کردستان عینا ایس سیاست را دنبال و تکرار میکند. بند ۱۳ از طرح مینویسد: "کوشش نمود در ارتش افراد کرد زبان که در خدمت نظام میندبه نقاط دیگر انتقال داده شوند. ساز تحریکات در بین ارتش دوربا شد."

هبات حاکمه ارتجاعی و سرکوبگر جنگ در سنج و نوا مینی را هها را به نهر فرار میداد و موزورانه ادعا میکرد که محاصره اقدامی کردستان در کار نیست. ولی عدم امنیت را هها مانع رسیدن مواد غذایی و داروئی و سوختی به کردستان است.

نیروهای انقلابی کردستان به موقع این عوام - قریبی ها را افشا کرده و مردم سرا بر ایران را در جریان محاصره اقتصادی کردستان فرار دادند و اکنون افشای طرح مشترک ارتش، سپاه پاسداران و دفتر ریاست جمهوری در مورد کردستان سیاست غیر انسانی دولت را بر ملا میا زد و حقا نیت و صداقت نیروه های ملی کرد را در آنها را نشان و عدم راستگویی و تحریف واقعیت را از طرف هبات حاکمه نشان میدهد.

بند ۱۵ از طرح عینا مینویسد:
"خلفه محاصره را در کردستان تنگتر نمایم."

هبات حاکمه برای فریب و متحرف ساختن افکار عمومی، نیروهای انقلابی و مترقی را به ایجاد جنگ و ناآرامی متهم میکند، ولی مردم آادبخواه ایران با افشای این سند عیان می بینند که این هبات حاکمه ارتجاعی است که ترور رژیم رسمی و دولتی را از زمان می دهد و در بند ۱۶ مینویسد:

"افراد آکا و مسئولان سگروه سیاسی را - بسد ام

اندازیم."
در تاریخ همیشه نیروهای ارتجاعی و ضد مردمی حفظ سلطه خویش را کشتا بر سرکوب ما رزیس دیده اند و این توهم باطل را آادامه اند که با کشتن و آادامه کتنی چند از ما رزیس و پیشروان جنش میتوانند از نیرو - های انقلابی زهر چشم بگیرند و جنشهای حق طلبانه را سرکوب و خاموش کنند.

هبات حاکمه جنگ افروزی بی رحل مسئله ملی کردستان را در سرکوب جنش معاومت خلق کرد و سرکوب جنش حق طلبانه خلق کرد را در آادامه ما رزیس کرد می بیند. و در بند ۱۷ از طرح مشترک عینا مینویسد:
"با آادامه فرار و انقلاب با عت تشویق و خرمسان کردستان نوسم."

و با لایحه هبات حاکمه که نیروهای ملی و مترقی کردستان را به تحزیه طلبی متهم میکند خود در عمل بزرگترین مانع در راه اتحاد هم وطن و تحکیم بیوند - های وحدت و اخوت خلقهای ایران است.

در بند ۱۹ طرح مشترک آمده است که:
"دولت با بدنا و کمربندی کردستان را تقویت بخندنا میتوان از این طریق جنش ملی را در داخل برآورد."

ولی جنگ افروزان و مرتجعین با ننگه وحدت و بیوند ما رزانی خلقهای ایران متحکم میا را نسبت که آنها میتوانند نقشه های پلید و ضد خلقی خود را در مورد کشتن نوا ر کمربندی بدور کردستان و متفرق کردن و جدا ساختن آنها از سایر نقاط ایران عملی سازند.
خلقهای سمدیده ایران!

جنش معاومت خلق کرد، محاصره های فراموش شدنی نبرد سنج، مقاومت دلیرانه سقز، بانس و مریوان و آسهم از خود گذشتگی و قربانی دادن ایس خلق به با خسته نهنها طرا حقا ق حقوق ملی خلیق کرد نیست، کردستان با طر هها شی ایران از قیام قرون وسطی و با طرا استقرار آادبهای دمکرا تیک و احترام به شخصیت انسانی، با طر حقوق ملی و طبیعی همه خلقهای سمدیده ایران و با لایحه برای ایجاد دگرگونیهای بنیادی در نظام اجتماعی - اقتصادی و از بین بردن فقر و سگدسی و ظلم با خسته است.

مردم آادبخواه ایران!

آسند آزادی و سبزیستی در ایران و سیمسای سیاسی - اجتماعی کشور ما با آانده نبردی که هم اکنون در کردستان در جریان است. بطر جدا گشی نا بدیری گره خورده است.

ما از شما میخواهیم با همه و ما شلی که در آادامه دارید و از همه راههای ممکن بیاری کردستان و خلق سمدیده کردیشتا بنید. دست جلادان را از آادامه چنایات و کشتا رو بر آایی در کردستان با زارید و جنگ افروزی - ان را در برابر افکار عمومی رسوا سازید.

هبات حاکمه به ما سنده مرتجعین که علیه حق و عدالت می جنگند، سیاست تهمت و افترا و نا به پراکتی متوسل میشود. در همین طرح مورد بحث بعنوان دستور العمل تبلیغاتی به پاسداران تذکر داده میشود که نیروهای سیاسی کرد را وابسته به بیعت عراق و رژیم شاه سابق معرفی نمایند.

بقیه در صفحه ۱۳

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

جنبش دهقانی



دهقانان و جنبش انقلابی (۲)

توضیح: اولین قسمت این مقاله را در پیکار شماره ۵۸ مطالعه کرده‌اید. اینک دومین و آخرین قسمت آن را از نظر شما می‌گذرانیم.

تاکتیک کمونیستها در برخورد به افساردهقانی

کمونیستها همواره از موضع پرولتاریا به جنبش دهقانی می‌نگردند و از این دیدگاه است که از مبارزه دهقانان بر علیه زمینداران و مالکین و سرمایه‌داری و بسته به پشتیبانی می‌کنند. قبلاً گفتیم که برخورد کردن به دهقانان به عنوان یک کل یکپارچه کاملاً نادرست بوده و نباید خصوصیت هر قشر دهقانی، دیدی تمام‌عقلی است که نهایتاً به نفع بورژوازی تمام می‌شود. در تمام جنبشهای انقلابی در روستاها، همواره کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر هستند که نیروی اساسی مبارزه را تشکیل داده و قاطعیت و جسارت کافی در پیشبرد مبارزه دارند. در کشور ما بویژه پس از قیام بهمن ماه که جنبش دهقانی به سطح رشد و اعتلای انقلابی قابل توجهی دست یافته است ما نا هادان هستیم که در تمام مبارزات انقلابی علیه زمینداران و سرمایه‌داران ارضی همواره این کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر اند که پیشرو بوده و ما در انقلابی را در دستور قرار داده‌اند. افکار کمونیستی و انقلابی نیز در میانه همین نیروها سر بر می‌خیزد و توسعه پیدا می‌کند. لیکن در برخورد به دهقانان مرفه و وضع به گونه‌ای دیگر است. نیروهای انقلابی م. ل. با یستی متناسب با هر جنبه‌گیری که دهقانان مرفه در هر دوره و مقطع از مبارزه انقلابی انجام می‌دهند و بنا بر مصالح پرولتاریا و با توجه به منافع دهقانان فقیر، تاکتیک مناسبی را در پیش گیرند. مثلاً هنگامیکه دهقانان مرفه در پیشبرد انقلاب شرکت دارند، نباید یستی اقدامی در جهت ممانعت موانع و زمین‌هاشان در بین باشد، بلکه با یستی با آنان برخورد دوگانه انجام گیرد، (یعنی از مبارزه‌شان پشتیبانی کنیم و تماماً بیلات و کرا - بیلات سازشکارانه‌شان را افسار و طردنماییم). در حالیکه دهقانان مرفه دوش‌بندوش ضد انقلاب علیه نیروهای انقلابی، کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر فعالیت می‌کنند، نیروهای انقلابی با یستی تا کتیک فریب‌زدن را متناسب با سطح مبارزه و خواست انقلابی زحمتکشان روستا و اقدامات خصم می‌زد دهقانان مرفه در پیش گیرند (به این معنی که مثلاً قسمت‌هایی از زمین‌های آنان که بیش از احتیاج معیشتی آنان

دهقانان مرفه و درواری انقلاب قرار گرفته و سطح مبارزاتی کارگران کشاورزی و دهقانان نهیست بالا بوده و پرولتاریا روستا و دهقانان فقیر خواهان فریب‌زدن به دهقانان مرفه هستند از این خواست آنها پشتیبانی می‌کنند، زیرا این امر در جهت پیشبرد مبارزه طبقاتی است و همچنین با توجه به چشم انداز آن در جهت تقویت عناصر سوسیالیستی انقلاب می‌باشد. بدون شک با طرح این مسئله اولین چیزی که به ذهن خوانندگان خطور می‌کند، این است که اولاً ما این سطح از مبارزه طبقاتی در روستا (یعنی مبارزه کارگران روستا و دهقانان نهیست فریب‌زدن دهقانان مرفه) را در حال حاضر چگونه می‌بینیم، ثانیاً سیر حرکت آن در آینده چگونه است و ثالثاً جنبه‌گیری دهقانان مرفه به‌طور عموم و سراسری در رابطه با انقلاب و ضد انقلاب چگونه است؟ پاسخ سؤال اول را قبلاً دادیم و گفتیم که جنبش خصوصیتی بصورت موارد خاصی را نمیتوان عمومیت داد. پاسخ سؤال دوم این است که در حال حاضر جنبش دهقانی یک جنبش عمومی و سراسری نیست. سطح این جنبش به‌طور عمومی از این

است و با زمین‌هایی را که به دهقانان فقیر اجاره می‌دهند ممانعت می‌شود. هنگامی نیز که دهقانان مرفه در موقعیت جنبش قرار دارند (یعنی، نه طرف ضد انقلاب را می‌گیرند و نه علیه انقلاب توطئه می‌کنند) با یستی کوشش کرده در صورت عدم حمایت از انقلاب حداکثر منفرد شوند و از همکاری آنها با ضد انقلاب جلوگیری بعمل آید.

● کمونیستها همواره از موضع پرولتاریا بر جنبش دهقانی می‌نگردند و از این دیدگاه است که از مبارزه دهقانان بر علیه زمینداران و مالکین پشتیبانی می‌کنند.

● کمونیستها با یستی در روستاها در جریان شرکت فعال در مبارزه انقلابی، پرولتاریا روستا را بصورت مستقل سازماندهی می‌کنند و از این طریق اعمال قدرت کارگران کشاورزی هر چه بیشتر اتحادیه‌ها و شوراهای اتحادیه‌ها را ایجاد می‌کنند.

بابت هنوز به نفع کافی می‌ورند و همه جا نیه‌تر شده است به این اعتبار است که دهقانان مرفه علی‌العموم در مقابل زحمتکشان روستا قرار دارند. به عبارتی دیگر با رشد مبارزه طبقاتی و اعتلای بیش از پیش مبارزه روستاها و با تسخیر هر چه سطح جنبش دهقانی بالاتر رود هر چه نقش عمده‌تر آن در سمت دهی آن تعیین کننده‌تر باشد دهقانان مرفه بیشتر در مقابل جنبش دهقانی خواهند ایستاد، بیشتر با رژیم ضد خلقی حاکم همکاری خواهند کرد و غیره. در پاسخ به مسئله سوم با یستی گفت که متناسب با اطلاعات کافی برای پاسخ نداریم که این مسئله در سطح عموم کشورشان دهند. لیکن اطلاعات موجود نشان می‌دهد که زحمتکشان مرفه در موقعیت بی‌تفاوت و خنثی قرار دارند. نحوه شرکت و فعالیت افساردهقانی در اتحادیه‌ها نیز متفاوت است. هنگامیکه عمده‌تر آگاه پرولتاریا در مبارزات روستا وجود نداشته باشد در جریان خود بخودی مبارزه دهقانان و تشکیل اتحادیه‌ها بدون شک دهقانان مرفه در این اتحادیه‌ها قرار می‌دهند. قرار گرفتن دهقانان مرفه در این اتحادیه‌ها به معنی خالی شدن جنبش اتحادیه‌ها از خصلت انقلابی نمی‌باشد. بعکس هنگامیکه جنبش دهقانی بحال غنی‌گردد آن‌ها نیز در آن دنیا لهری نشود، و کمونیستها در این جنبش نقش فعالی داشته باشند. رهبری اتحادیه‌های دهقانی در دست کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر خواهد افتاد (۳). کمونیستها با یستی پیوسته در روستاها در جریان شرکت فعال در مبارزه انقلابی، پرولتاریا روستا را بصورت مستقل سازماندهی

هم اکنون در کشور ما در مناطق مختلف و بسته به درجه و نحوه رشد مناسبات سرمایه‌داری با حفظ بقایای فئودالیسم، آرایش طبقاتی و... اشکال مختلفی از جنبه‌گیری دهقانان مرفه وجود دارد. با یستی این اشکال متفاوت در مناطق مختلف دید و تاکتیک خود را که عموماً شرح دادیم متناسب با مناسبات و مواضع نیروها اجرا نمود. بعنوان مثال در کردستان بخاطر نقش خانها و فئودالهای سابق و تهدیدی که علیه دهقانان به‌طور عموم اجراء کرده‌اند، ویژگی‌های ستم‌ملی و طبقاتی مبارزه با دولت ضد خلقی حاکم، دهقانان مرفه در جنگ مقاومت تا حدودی شرکت می‌کنند. ولی در عین حال هنگامیکه دولت علیه جنبش 'ازبازش با نیروهای سازشکار وارد می‌شود، دهقانان مرفه تماماً سازشکارانه برخورد کرده و خواهان سازش با رژیم خواهند شد. در شمال ایران که مناسبات سرمایه‌داری گسترش بیشتری یافته است، مواردی دیده شده است که کارگران کشاورزی با حمایت دهقانان فقیر خواهان ممانعت از اراضی دهقانان مرفه می‌باشند. بدون شک این مسئله از اثرات سیاسی قیام بهمن ماه نیز می‌باشد. با رشد گامی طبقاتی کارگران کشاورزی و دهقانان فقیر به اعتبار نقش عمده‌تر آگاه در سمت دهی جنبش دهقانی، زحمتکشان روستا در جریان مبارزه با زمینداران و مالکین بزرگ به جنبه‌فرد سرمایه‌داری مبارزه طبقاتی خود آگاهی یافته و قاطعانه در جهت نابودی سرمایه‌داری و بسته‌ونگی سطح سرمایه به پیش می‌روند. رشد مبارزه طبقاتی، عامل ذهنی و مناسبات سرمایه‌داری موجود از عوامل اساسی این سمت‌گیری می‌باشد. کمونیستها در شرایطی که

بقیه در صفحه ۱۳

کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

گرانی: فرزند طبیعی نظام سرمایه داری (۲)

عرضه‌های بازار سرمایه دولتی نسبت به تولید موثر -
افزایش قیمت‌ها منبسط
نگاهی به تولید ناخالص ملی و بعد از آن
(بهره‌های سه‌بهره) در دوره‌های ۵۱ تا ۵۷ نشان
می‌دهد که مقدار پول در گردش در این دوره ۴/۴ برابر
بزرگتر از تولید ناخالص ملی رشد کرده است - گزارش
مالی بانک مرکزی ۵۷ - دوره در سال اخیر نسبت
به سالهای قبل افزایش اعتبارات بیشتری دریافت
است. (افزایش‌های عمده فیزیکی در سال ۵۵ برابر
۲۵٪ و در سال ۵۸ ۲۴/۶٪ و برای سال ۵۹ حدود ۵۰ درصد
بیش‌تر است) در سال اخیر به نسبت عرضه کالا
تبدیل رکود تولیدات اقتصادی و در این اواخر به
دلیل کنترل برخی از اقلام وارداتی کاهش یافته
است. در مقابل، دولت نیز با طریق چاپ و بازگردان

های جدید صنعتی که برای ۹ ماه اول ۱۳۵۸ تنظیم
شده می‌باشد.
احتمالاتی که هم‌اکنون در فروس‌کالای مصرفی
و واسطه‌های توسط کشورهای امپریالیستی موجود
آمده و واسطه‌های جدیدی که فروس‌تولید (۸۰٪) سوخته
افزایش یافته است. و کماهی که اخیراً در
فروس‌تولید مشاهده می‌شود (دولت‌تولیدی) در سال
۲ میلیون تن به نسبت سال ۳۵ دلار فروخته‌ها از
ارزید است. آمده سطح واردات را در سطح فعلی نگه -
دارد) و با توجه به مشکلاتی که رژیم جمهوری اسلامی در
تولیدات سرمایه‌های سرمایه‌های سهم‌برنده‌کننده با آن
روبروی و در شرایطی که مقدار رکود پول -
افزایش می‌شود. سرمایه‌های بیشتری برای بالا رفتن
قیمت اجناس در بازار فراهم می‌گردد.

● در چند ماه گذشته مردم زحمتکش ما شاهد بالا رفتن قیمت اجناس زیادی مثل سیگار، گوشت، سیبانه، نان، ماشین و... که در دست دولت می‌باشد، بودند. مخارج عظیم دولت برای حفظ و بازسازی دستگاه‌های
عریض و طویل بوروکراتیک و اداری رژیم، سابق، هزینه‌های سرسام‌آور، سپاه پاسداران و ارتش و... در
سرکوب خواسته‌های توده‌های زحمتکش و مبارزات خلق‌های قهرمان میهن ما، کمک و اعتبارات وسیع دولت
به سرمایه‌داران جهت بازسازی و توسعه اقتصاد وابسته کشور ما و... رژیم جمهوری اسلامی را وارد اریسه
چاپ اسکناس‌های بی‌پشتوانه می‌کنند.

اسکناس‌ها را برطور روزافزونی ارزش پول را با این
می‌آورد. محله بانک مرکزی فروردین ۵۸ نشان می‌-
دهد که دولت در یک فتره در افسند ما ۱۳۵۷ اقدام به
چاپ و انتشار اسکناس به مقدار بیش از کل اسکناس‌های
منتشره تا آن موقع نموده است (اسکناس‌های منتشره
تا تاریخ افسند ۱۳۵۶ برابر ۴۰۰/۰۰۰ میلیون ریال
و در تاریخ افسند ۵۷ برابر ۹۱۲/۰۰۰ میلیون ریال می‌-
باشد). دولت به نسبت افزایش پول در گردش ارتش
پول را با این می‌آورد بلکه مستقیماً با بالا بردن
قیمت اجناسی که تولید آن در دست دولت می‌باشد به
رشد تورم و بالا رفتن هزینه زندگی مردم فقیر و
زحمتکش ما پیش‌آرمش‌داس می‌زند. در چند ماه
گذشته مردم زحمتکش ما شاهد بالا رفتن قیمت اجناس
زیادی مثل سیگار، گوشت، سیبانه، نان، ماشین و...
که در دست دولت می‌باشد، بودند. مخارج عظیم دولت
برای حفظ و بازسازی دستگاه‌های عریض و طویل بور-
وکراتیک و اداری رژیم سابق، هزینه‌های سرسام‌آور
سپاه پاسداران و ارتش و... در سرکوب خواسته‌های
توده‌های زحمتکش و مبارزات خلق‌های قهرمان میهن
ما، کمک و اعتبارات وسیع دولت به سرمایه‌داران
جهت بازسازی و توسعه اقتصاد وابسته کشور ما و...
رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را با گزیر می‌سازد تا
هر چه بیشتر به چاپ اسکناس بدون پشتوانه و بالا بردن
قیمت‌های کالاها می‌تواند تحت انحصار دولت و با توسط
دولت ساخته می‌شوند بپردازد. این امر نتیجه ندارد
زیرا که نظام سرمایه‌داری وابسته با گزیر از این سر-
خوردی می‌باشد، و مسلماً چنین سیاست‌هایی تا نا سودی
سیستم موجود که آن‌ها را هدایت.

۴- احتکار و واسطه‌گری

یکی دیگر از علل گرانی اجناس احتکار کالاها
و واسطه‌گری در ما دلالت اجناس است. در وضعیت
کنونی جامعه ما با شرایطی که قبلاً بحث شد، کالاها

سرمایه‌گذاری بر اساس برابری سرمایه‌های در واحد -
های جدید صنعتی (بانک مرکزی افسند ۵۸) میلیون ریال

درصد نسبت به ماه اول ۱۳۵۸ ماه اول ۵۶	۱۳۵۸	۱۳۵۶	صنایع غذایی و آرایشی
۹۰/۶٪	۹۷۷	۲۴۱۶	صنایع شیمیایی و پتروشیمی
۹۰/۰٪	۶۸۸	۶۸۲۰	صنایع نساجی و نساجی
۷۱/۷٪	۱۷۰	۶۰۷۵	صنایع نساجی و نساجی
۸۲/۶٪	۵۵۰	۳۳۶۲	صنایع نساجی و نساجی
۹۵/۲٪	۱۴۰۵	۲۹۰۷۱	صنایع نساجی و نساجی
۶۷/۸٪	۶۲۶	۱۹۷۶	صنایع نساجی و نساجی

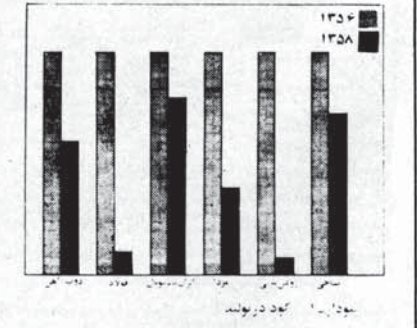
۳- رشد تورم

در رابطه با گرانی روزافزون اجناس دو عامل مهم را
متذکر شدیم. و نشان دادیم که آن دو یعنی وابستگی شدید
اقتصادی ما به کشورهای امپریالیستی و رکود تولیدات داخلی
در اوضاع مستعصبانه سرمایه‌داری وابسته حاکم
در جامعه می‌باشد. و تا زمانی که این سیستم موجود
نگردد و سیستم وابستگی‌های ما به کشورهای امپریالیستی
قطع و ریشه‌کن نگردد، شاهد هیچ‌گونه آمیخته‌ای
به نسبت آمدن قیمت اجناس ضروری زحمتکش‌ها و
توده‌های فقیر ما نیست. اکنون به مسئله تورم که یکی از
و خیم‌ترین بیماری‌های سرمایه‌داری است می‌پردازیم.
وقتی مقدار پول (پول رایج، اعتبارات، چک‌ها،
اوراق بانکی و...) بیش از اندازه در مدار گردش
و مبادله وارد شود، و در مقابل، کالاها ضروری و
مورد احتیاج مصرف‌کنندگان بهمان نسبت افزایش
پول به بازار عرضه نگرددند، جنس عدم تعادلی متحر
به‌کار می‌آید و پول و با تورم می‌گردد. به عبارت دیگر

در شماره قبل برای توضیح گرانی با افزایش
سرمایه‌های اجناس به‌دینکار هندی صدور تکثیر
مستولین رژیم دربار علیه گرانی برداشتم و
توجه‌ها را به گرانی محصول طبیعی و با گزیر
سیستم سرمایه‌داری وابسته به کشورهای امپریالیستی
بالینسی است. و در باره علل اساسی آن -
وابستگی تولیدات داخلی به کشورهای امپریالیستی
بالینسی اشاره نمودیم و اینک به توضیح سایر
عوامل اساسی گرانی می‌پردازیم:

۲- رکود در تولید و کاهش

علت دیگر گرانی و بالا رفتن قیمت سرمایه‌های
اجناس و رکود در تولیدات کارخانجات داخلی است
بموجب گزارش بانک مرکزی ایران کاهش تولیدات
داخلی در سال گذشته نسبت به سال ۴۰،۵۶ تا ۷۰ درصد
بود. اخیراً عزت‌اللهیستی سرپرست سازمان سرمایه
و توسعه صنعتی کاهش تولید در کارخانجات در سال
پیش نسبت به سال ۵۶ فریب ۶۰٪ بوده است. البته
رکود در تولید یک یا دوره محدود نیست، بلکه
تقریباً اکثر بخش‌های صنعت ما را فراگرفته است.
نمودار (۱) که در روزنامه "تدای آزادی" شماره ۲۸
عمیقاً نقل می‌شود وضع تولید سال ۵۸ را در چند رشته
صنعتی در مقابل سال تولید سال ۵۶ نشان می‌دهد.



در نتیجه کاهش تولید در بخش صنعت، عرضه
کالاها در این بخش در بازار کمتر شده و در شرایطی که
مقدار پول در گردش به شدت زیاد می‌شود (در این مورد
در بحث رشد تورم صحبت خواهد شد)، افزایش قیمت
اجناس را بوجود می‌آورد. رژیم جمهوری اسلامی با در
دست داشتن ارزهای خارجی که از فروش نفت عاید
می‌شود برای جلوگیری از کاهش عرضه کالا به بازار،
و سبباً به وارد نمودن کالاها در خارج پرداخت، و در این
مورد بودیسی مدرج در دو ماه پیش گفت که مانده امپریالیستی
لیست‌ها بیش از نشان‌ها شایسته شده است. از طرف
دیگر رژیم ما گوش خود را در جهت بازسازی و سرمایه‌گذاری
وضع اقتصادی موجود و بازگرداندن آن به وضعیت
سابق معطوف داشته است. اما جلب سرمایه‌های خارجی
سازی وضع موجود دلایل زیر را نمی‌تواند توجیه کند:
۱ - نرخ سود زیاد سرمایه‌های در بخش تولید
۲ - عدم امنیت برای سرمایه به علت مبارزات اوج -
گیرنده بوده‌های زحمتکش مخصوصاً طبقه کارگر -
علیه سرمایه‌داری.
حدول زیر که توسط بانک مرکزی (فروردین ۵۸)
ارائه شده است نشانگر کاهش سرمایه‌گذاری در واحد -

نتیجاً آدا هوا بستگی به واردات محصولات کشاورزی از کشورهای امپریالیستی یکی از اثرات مهم دیگرگرانی می باشد .
علاوه بر آن خرده بوروازی با شین و متوسط شهری کارمندان و کارکنان جز ادارات و موسسات که دارای دستمزدی در آمد کم و ثابت هستند، با رگرانی رابطه دوش می کشند و زندگی شان روز به روز به فلاکت می افتد. آنها ناچارند هر روز بیشتر از مصرف زندگی خود بگاهند تا خرج شان معادل درآمدشان شود. در یک کلام تمام بارگرانی مستقیماً بر روی دوش اکثریت خلق سنگینی می کند و آنان را به مبارزه ای بی امکان علیه نظام حاکم می کشاند .

بخش آخر :

اثرات گرانی بر روی زندگی زحمتکشان این است که آنها ثریلا واسطه و مستقیم می گذارد. درست بهمین دلیل است که اشکای خود را در مبارزات زحمتکشان بسیار سریع پیدا می کند. هم اکنون پای درددل هر زحمتکشی که به تشنید ممکن نیست در کنار دردهای بسیار خود به مسئله گرانی بعنوان مسئله ای بسیار حیاتی و مهم اش را به کند و در همین رابطه با دغدغه که این از خصوصیات رشد آگاهی طبقاتی توده ها است که زحمتکشان بطور مستقیم سرما به داران و امپریالیسم را عامل گرانی می دانند و همچنین بخشی از آنها به نقش دولت نیز بعنوان عامل گرانی توجه دارند . ممکن است زحمتکشان این با آن سرما به داران و امپریالیسم بصورت منفرد و جدا از سیستم سرما به داری وابسته بعنوان عامل گرانی بحساب آورند ولیکن آگاهی آنها هنگامی به حد مطلوب خواهد بود که این اجزای متفاوت را (که قبلاً بر شمرده ایم) در یک کل واحد یعنی نظام اجتماعی - اقتصادی حاکم بر کشور ما و دولت جمهوری اسلامی حاکم آنرا بصورت تفکیک ناپذیر درک کنند. ما هیت و جوهر این حکومت در همین است که هر روز فروسیم بیشتری را برای زحمتکشان بیاورد و این ما هیت هر حکومتی است که بخوابد سرما به داری وابسته را با زبانی کند چرا که بغیر محال هم "موفق" به این با زبانی شود و نخواهد توانست حتی وضعیت اقتصادی سالهای ۵۵ - ۵۴ را که وضع رژیم شاه از نظر اقتصادی بظاهرا کمتری بودی نمود با زبانی "تولید" و "تورم" را به حد ناپائیدار برساند. لیکن در بنیست آن زمان نیکه قبل از تشبیه رژیم ارتجاعی حاکم "بازاری" سرمایه به داری وابسته، این نظام کندیده و وابسته به دست توده های دلاور به رهبری طبقه کارگر ناپا بوده و به گورستان تاریخ سپرده شود ■

نمی خورد. و کماکان این دون مفتان به انشار کردن کالاهای مورد نیاز مردم، واسطه گری ها و حواله با زبانی خود برای بدست آوردن سود هر چه بیشتری ادامه می دهند. لازم به توضیح است که سیستم توزیع کالا در جامعه ای، از کل نظام اقتصادی و سیاسی آن جدا نیست. هر گونه مبارزه بر علیه اینگونه واسطه گریها و احتکار، از مبارزه بر علیه کل سیستم اجتماعی و سیاسی که بر مردم قهرمان ما حکومت می نماید، جدا نبوده و با نایبوی سیستم سرما به داری وابسته، سیستم توزیع فعلی نیز مضعل شده و از بین خواهد رفت .

اثرات گرانی بر روی زندگی زحمتکشان

سنگینی بارگرانی در درجه اول مستقیماً بر دوش کارگران و زحمتکشان منتقل میشود. چرا چنین است؟ زیرا سرما به داران با بالا رفتن قیمت کالاهای مواد اولیه مورد نیازشان بلافاصله با گرانی کردن بیش از پیش قیمت کالاهای خود تولید می کنند و با فروسیم رسانند. این امر را جبران کرده آنرا بدوش مصرف کنندگان کالاهای اکثریت شان کارگران دهقانان و خرده بوروازی با شین و متوسط است منتقل می کنند. در حالیکه کارگران که دستمزد نا بست میگیرند ناچارند با افزایش گرانی قیمت را تحمل کنند. افزایش دستمزد کارگران به مراتب کمتر از رشد سرما به داری و قیمت است و هر روز کمی گذرد آنها قوه خریدشان کاهش پیدا می کند. مثلاً در حالیکه به قیمت کالاهای بین ۲۰ تا ۳۰ درصد بیشتر افزوده شده است دستمزد کارگران در سال جاری درصد بالا رفتن و این امر نشان می دهد که چه اختلاف فاحشی در این زمینه وجود دارد. همچنین در مورد دهقانان که در مورد بسیاری از کالاهای محتاج شهر هستند (نظیر برنج، روغن، سیگار، بیوشاک و...) نیز وضع بهمین ترتیب است. دهقانان ناچارند کالاهای خود را به صورت یک جانبه و نحاری به دولت، کارخانه داران سلف خران و... با قیمت حداقلی که تعیین میشود، بفروش رسانند (و یا پیش فروش کنند) و در عوض هر روز کالاهای را که توسط همین سرما به داران تولید یا وارد میشوند با بهای گزاف خریداری کنند. اشکرات گرانی بر روی کشاورزی آدا همه شان بحران کشاورزی است که هر روز بیشتر تولید کنندگان خرده دقانی را به ورشو کشگی کشانده و سیرتجزیه طبقاتی آنان را فزون تر میسازد. غریبه خوردن تولید خرد دقانی و

از وقتی که در داخل تولید میشود با از با زبانی جانی خریداری میشوند تا موقعی که بدست مصرف کننده برسند، ممکن است چندین بار دست بدست بگردند. کالا در هر بار ی که توسط واسطه (به مصرف کننده) خریداری و به واسطه دیگری فروخته میشود، مقداری بر سر بود این مبادله به قیمتش اضافه می شود. مثالهای زیادی از این واسطه گری وجود دارد. مثلاً تا جری کالائی را از خارج می خرد، کالا قبیل از اینکه وارد ایران شود، چندین بار به افراد مختلف فروخته میشود. و یا حواله فروشی یکی از متداولترین نوع دست بدست گردیدن و واسطه گری است. تا جری قسمتی و یا همه تولید کارخانه را که در آینده کالای مورد نظر را تولید خواهند نمود، بصورت حواله ای می خرد. معمولاً بازرگان در این موقع تمام پول کالا را به کارخانه به داری می پردازد. تا جری کالا ما بحواله است به این معنی که قبل از اینکه کالا تولید شود توسط تا جری بتوی احتکار شده است. این حواله ممکن است قبل از اینکه حتی موعود تحویلش برسد توسط چند واسطه خرید و بفروش برسد. آخرین فردی که کالا را از کارخانه دریافت میدارد، چه بسا ممکن است چندین بار قیمت واقعی آنرا پول پرداخته باشد. تا ز خود کالا بعد از تحویل نیز چند دست ممکن است بگردد تا بالاخره به عمده فروش و از آنجا به تکفروش یا خرده فروش و مصرف کننده برسد. بنا بر این تنها سرما به داران حاکم کارخانه نیست که مستقیماً از اشتما رکارگران و زحمتکشان ما بهره می برد. بلکه هر بار که کالا دست بدست میشود و سودی عاید این واسطه های مفت خور میگردد، بخشی از ارزش اضافی کارگران نصیب آنان می گردد. جالب توجه است که اکثر این دست بدست شدن کالاهای معمولاً بصورت صوری و توسط تلفن انجام می پذیرد. به این صورت که نه پولی بین خریدار و فروشنده رد و بدل شده و نه جنسی با جبا می گردد. در چند ماه گذشته تعداد بسیار زیادی دفاتر که کارشان خرید و فروش کالا و یا حواله است تا سیم شده و از طریق خرید و فروش کالا پولهای کلانسی نیز به جیب زده اند. علاوه بر اینها اکثر شرکت های ساختمانی قدیم امروز با داشتن کارت بازرگانی که دولت در اختیارشان می گذارد، به جای فعالیت تولیدی به فعالیت بازرگانی مشغول شده اند. اخیراً حتی مطبوعات و بورواشی نیز سیستم توزیعی موجود در بازار را به نوعی از با ندهتیکاران ما فبائی تشبیه نموده - اند که اعلا "آنها عنانر "تجار محترم" (اصطلاحی کنه آیت الله عینی بکار می برد!) که ما بحربما به های کلان نیز هستند، تشکیل می دهند. نفوذ دربان این این افراد دکتیف و مفتخور کالاهای هم نیست. این افراد نه تنها از جمهوری اسلامی شید آ دفاع میکنند، بلکه مورد حمایت شدید رژیم جمهوری اسلامی نیز قرار دارند و یکی از با بهای طبقاتی تحکیم رژیم را تشکیل می دهند. تجار معمولاً در یک جبهه کوچک غالی می نشینند و از انبازهای بزرگشان همیشه و مخصوصاً بعد از تا سیم جمهوری اسلامی بر کار کالاهای مسورد احتیاج مردم است، تا در فرمت مناسب آنها را با قیمت هر چه بیشتری به خریداران بفروشند. نفرت توده های وسیع مردم نسبت به دلان، واسطه گران، محتکران و بازرگانان بزرگ بعدی زیاد است که حتی مسئولین رژیم جمهوری اسلامی هم گاهی مجبور میشوند بر او ی جلب توجه مردم زحمتکشان ما بدروغ محبت هاشی نیز بر علیه آنها بکنند و لی در عمل آب از آب تکان

جمع آوری بساط دستفروشان در ایران شهر

نماینده دستفروشان را از اتا قش بیرون انداخته و با استمداد تلفن از شهر بانی که "بها شید این اغلال - گران! را از فرما نداری بیرون کنی". تحسب زحمتکشان دستفروش را بهم میزند. و با این ترتیب فرما ندار ما هیت فدانشان و غدمردمی خود را بوضوح به زحمتکشان نشان میدهد .

بدینال جمع آوری بساط دستفروشان ایران شهر که توسط ما موران شهرداری انجام گرفت، زحمتکشان دستفروش بعنوان اعتراضی بین عمل فدانشانسی شهرداری در تاریخ ۵۹/۴/۲۳ در محل فرما نداری گرد آمد و مضمون میشوند .

دستفروشان که با جمع آوری بساط دستفروشی - شان تنها وسیله امرار معاش خود و خانواده هایشان را از دست داده اند از فرما نداری می خواهند با مجلسی برای گذاشتن بساط دستفروشی شان تعیین بکنند و کاری به آنها به دقت از طریق شکم زن و بچه شان را سیرنما بند. فرما ندا را بران شهردار مقابل این خواست بحق زحمتکشان ایران شهر با کمک کارمندان فرمانداری



هنرمقاومت هنرپرولتری



سنت کها و سنی سندا نمی شود که در واقع آرزوی
طلح ظلمی و ساریش طغیانی او خاده عمل نیوسنده ،
"برجم صلح سمد" ترا ترا سنده وسوده ها با برجم
سرخ سیرد طغیانی در سوسور سرتا سنی با بدیر مند مند .
نه! نظری غلبر عم آنکه با هراس فریا دنگو همدینکار -
های سی اما ن کارکران و دهها نان و خلفها را می -
سوده سست ما هت رویونیستی اس آن را در سمر
منکس نمی کند و خاسق را با زکوه می سما نند .

علیه انقلاب در هنر

ما پیشتر گفتیم که هنر ما رکیستی، سببا تکرور حیات
انقلابی بوده است که هنرمندان خط نما ی مارکسیسم
- لنینیسم و درک رسائی شنا سانه ما رکیستی، آن را
جهت می دهد. هنر رویونیستی نه تنها بنا به ذات
بورژواشی خود علیه اس هنرمی سبز دور حیات تسلیم
وزیونی را تبلیغ می کند و با زکوه کند، ایده الیسم
خرافه ها و افکار رکنه می شود بلکه عمیقاً با آستانوسی
ساحت بورژوازی، علیه انقلاب موضع می گیرد پس هنر
رویونیستی نه تنها با هنر را تسلیم سوسا لیمیستی از
در شهر درمی آید بلکه عموماً ساطح نازل ترین آثار
بورژواشی که با هر گونه تغییر و تحول مخالفت می ورزند

چهره عریان رویونیسم در هنر (۳)

هنر رویونیستی مبلغ آشتی طبقات

آرستیس یک هنر کفا نو، ساسوان است، امروز سنان
می دهد که در ستر یک صلح رویونیسم کار آرموده
است. در ستر جنک ناگزیر که در ۱۶ آذر ماه شماره ۱۰۴
"مردم"، آشنه ای آرست برین روحیات با ریش رابه
نمائس می کد اورد:
/گفتم که: دوستی/گفتم که: صلح، عشق، سلامت ،
سرای/گفتم که: ریسس همه ما همه آشتی/با شکه تا
خرد سندنیده اوری /...

هنر رویونیستی، امروز همچون گذشته، آشنه
روحیات تسلیم و سازش طغیانی است. سنا آنجا که ما سنا
این نوع آثار بر خورد دانه نام، جه آتاری که در
زرا دنا به سوسا ل امیریا لیم روس سهنده و جسبه
آتاری که در دیگر کشورها "سرا در" مثل معارسنان ،
آلمان شرقی، و غیره ساحت شده است ستر سس سسروی
خود را در راه برآکندن سوسم ایده های فراطغیانی و
آشتی طغیانی سکار می گیرند. حزب نوده همه سبب
از آریا سنان خود را سس راه می کوند .

● هنر مارکسیستی، میانگر روحیات انقلابی توده هاست که هنرمند با قطب نمای مارکسیسم لنینیسم و درک
زیبائی شنا سانه مارکسیستی، آن را جهت میدهد. هنر رویونیستی نه تنها بنا به ذات بورژواشی
خود، علیه این هنر می سبز دور حیات تسلیم و زیونی را تبلیغ میکند. با زکوه کند و خرافه ها و افکار رکنه
میشود، بلکه عمیقاً با آستانوسی ساحت بورژوازی، علیه انقلاب موضع میگیرد .

در شماره ۸۲ روزنامه مردم، ۱۴۰۰ آن سمری ساسام
آشتی به جا بر سنده است:
آش را خاموش کنیم/تنگنهارا کار سکار سیم /
خا به را از رکنه و دشمنی سوسیم /... آخرا سکه بر حاک
می افتد/ ای بختا و آنجا /سرا رو سنا دارو ستر ک/بدر
پیر می/ما در آرزو مندو /خوا هر دم بخت ما وسرا دران
با لنده اند/آشتی راهه ما جان/و با همه صا سس
جسورانه و با حرات /اعلام کنیم/ اعمال کنیم /...

وسا بتکر سراط حاصرو مداخله موجودند سقوط می کند
و از این نظر غالباً با رتا لیم سنفادی بورژوازی ،
یعنی آن رتا لیمی که در تارنا رهنر مندانی که زیان به
انفقا دسیر حاکم با رنظم موجود می کتا بند و سنا و
سیر حمی ها و شدت استنما روقر و قافه درون نظام کهن
بورژواشی را به با داستفادی می گردندی آنکه درک
مارکسیستی از جامعه و تحولات آسنده آن داشته باشند ،
در سنا داست هنر رویونیستی مداخله سراط حاضر و
نظم بورژواشی است ساعر "توده" ای برای حفاظت
نظم موجود فربا دبر میا ورد :

اس روح ور سکنه رویونیسم است که در فالت
رما سیمی محقر می کوند علیه آکا هی سوسا لیمیستی
سبا حرد . جکوه در جامعه طغیانی که مرکنا سوسس
سرد طبقات برای ادا مزندگی حریان داردمی توان
سرد:
/گفتم که: ریسس همه ما همه آشتی /... ؟/
اس کد ام خرد است که ما بدیده اوری سسند ؟
خرد بورژوازی نا خرد سیرولنا را ؟! اس سنا سکنه
ادا می یابد: سنا که اهرم /سرجست از سکنه و دیوار
آشتی/سرجرد سنان سس و آرزوی سس /... اینک چه
سنا بدم /سرجست ناگزیر /سره آشتی /...
آری حی زما سی "اهرم" (؟) آشتی می کتا بند ،
سنا عور رویونیست ناگزیر سس به جنک می دهد ، اما
برای جه ؟ برای آشتی /وطیمی است که آشتی همه ما
هم آشتی خلق و ضد خلق ، چرا که سس خلق جنکی درگیر
سود .

بدینگونه شعر رویونیستی، با کلمات سی روح و
در آرزوگی های مزورانه، اسلحه ای مرکب ر سسرای
شلیک عواطف پست سازش و احساسات جاگرا نه می شود .
و با سوسه بی سریق می خواهدها "جرئت" آشتی را
اعلام و اعمال کند! آشتی سس ارتش سببا ه ارتجاج
با پیشروگان خلق، اس شعله مقاومت وسرد آشتی -
نا پذیر چمنکنا . آ لینه حزب نوده فرسکارا نه فریاد
بر می آورد: آه! سنان جنک افروزند ، و مگر نه آنکه هر
کس که از طرف کشته می شود از فرزندان مردم سنا
طبعی است که کمونیستها بیش از هر کس از قتل عام
دیوانه سنا نوده ها بدیت هیات خا کمه ستر جرسند .
لیکن آنان هیچگاه حمله گرانه خاسق را و زکوه
نشان نمی دهند، آنان می دانند که سسر دناگزیر خلق
و ضد خلق، سسته سنا ملات آنان با یان نمی کسردو
برای با یان دادن به جنک سنا عادلانه ای سرجسنگ
انقلابی و عادلانه در سس رویست ، و سزاسر کسوس
رژیم سنا توجه به تک افراد آن بلکه با روشنی
نمودن ما هیت مدخلقی و سرجو سنا سنا قابل درک
است . همچنین کمونیستها خواها ن جنک داخلی سسند
این مدخلق است که برای سس سراهه کتا بندن مبارزه
طبقاتی، سنا سس شوه، کتیف متوسل می شود ، اما در
عین حال توده های آکا ه ما مقاومت در سس بر هیات
خا کمه و افشای خاسق خوا هند سنا سنا از دل جنک داخلی
برجم جنک طبقاتی را سرافرازند .

/قلب زما سنا سنا سس سس سس/با ران خطر ،
خطر! /مردم ۵۸ - ۲۵ مرداد و البته اسن خطرا انقلاب ،
خطر کرد سنان ، خطر کارکران و دهقان سسببا خا سته
است نه خطر طبقات حاکم ، ما قتلایم دیده ایم که چگونه
آنان مدیحه گوی طبقات حاکم اند و سراط حاضر را
"سها روش" و "سرجشا ده آفتاب تازه ، سبال و سس" -
توصیف می کنند و توده های انقلابی، کسانیکه "حمله
ممیرد ، سنا کند خراب ، آنچه هست" (۲۵ مرداد در روزنامه
مردم) را همچون شب وصف می سنا بند. آری رویونیست
- ها ، در هنر هم علیه انقلاب برمی خیزند و سنا عرتوده ای
که سنا سس سس وضع موجود ، اسن "سها روش"!! می برد ازد
نظم سسرا به داری و ایسته زاجا سی توصیف می کند که
"دشمن از همه سوره ممدان" و اسن دشمن چه کسانیکه جز
ارتش سسندیدگان و رنجبران با برجم سس سسر د
انقلابی سنان می توان سندا سسند ؟

توسعه روحیه مذهبی و رواج ایده الیسم در هنر رویونیستی

لنین به هنرمندان مارکسیست می آموزد که
مبنا ی هنر سنان با بدما تریا لیم دیا لکتیک با سسند .

شعر "گل یولاد" از جمان طبری که در شماره ۱۱
اردیبهشت ۵۸ به جا بر سنده ، با زهمین آکا هی واحسان
دما رکیستی و مداخله انقلابی را تبلیغ می کند . اسن
طلح طلب مشهور که همه مداخله سسرا سس اسن بوده است که
در سسر مقدم "حزب طرا ز سس طبقاتی رگر" ، برای صلح
سس رژیم سنا ه و سسده های تحت سس سس سس
اکنون سسرا زبانشناخته می کوشد از همه سسبا سسرای
برآکندن ایده های رویونیستی خود سسود . در
اسن شعر سس از ذکر ماتنیک و روحیالی مناقب
"ساره" آمده است:
/سرخ با ران و سس شد دل آن سسرگان/آسنان
در دل خود زاده زاران خورشید /روی گهوارا رکنیکه
کما ن/برجم صلح سسید .
البته سسرا طرا زکارا افتادگی اسن سسرویونیسم

ادبیات رثا لیسیم‌سوسا لیبستی، براساس آکا‌های سوسا لیبستی خلق می‌شود. آموزش ما رکیسم‌درخصوص ایده‌آلیسم‌ومذهب بختی ازاین آکا‌هاست. لنین درمقاله "روش حزب کارگران نسبت به مذهب" آموزش می‌دهد:

"مذهب یک امرخصوصی است" این نکته معروف در برنامۀ فوروت (۱۸۹۱) این تاکتیکهای سیاسی سوسیال دموکراسی را نشان میدهد. لیکن این تاکتیکها امروزه بصورت عادی درآمده اند و این باعث پیدایش یک تحریف نوین درمارکیسم، تحریفی درمیرمخالف جهت پورتونیسیم‌شده است. این نکته برنامۀ فوروت بدین معنایی تلقی گردیده است که ما سوسیال دموکراتها، بیما به یک حزب، مذهب را برای خودمان امر خصوصی می‌شناسیم بدون درگیری دریک پلمیک مستقیم علیه این نظریه پورتونیسیتی. انگلس درسال ۱۸۹۰ لازم داشت تا این نه بصورت پلمیک بلکه به طریقه‌ای مثبت و قاطعانه مقابله نماید. به عبارت دیگر انقلاب بیما نباید ما درنموده‌آوردن وی مراحتاً تا کید نمود که سوسیال دموکراتها مذهب را درارتباط با دولت بیما به یک امر خصوصی می‌نگردند لیکن نه هیچ وجه درارتباط با خود، یعنی مارکیسم یا حزب کارگران. مارکسیستها "اعلان جنگ علیه مذهب به مثابه یک هدف سیاسی حزب کارگران را صرفاً یک ژست انارشیستی... و تکرار حقاقت مبارزه بیما رکیستی علیه روحانیت" (همانجا) می‌دانند اما در عین حال "تا آنجا که حزب سوسا لیبستی پبولتا ریا مربوط است مذهب یک امرخصوصی نیست، حزب، اجتماع مبارزین پیشرو و دارای آکا‌های طبقاتی برای رهائی طبقه کارگران است. چنین اجتماعی نمی‌تواند و نباید نسبت به فقدان آکا‌های طبقاتی جهل و یا شریعت مخالف تکامل بشری شکل اعتقادات مذهبی بی اعتنا باشد (مقاله سوسا لیبسم و مذهب - لنین) کمونیستها خواهان آنند که "با غبار مذهبی باطله‌ها لبرایدنولوژیک فقط ایدئولوژیک از طریق مطبوعات و وسیله سخنان مبارزه کنیم" و معتقدند "مبارزه ایدئولوژیک یک امر خصوصی نیست بلکه امر تمام حزب پبولتا ریاست" (همانجا)

ما حزب توده درکنار کوششهای سالوسانه‌اش که صرفاً آشتی دادن اسلام و مارکیسم می‌کند! درهنر رویزیونیستی خودمی‌کوشد و روحیه مذهبی را درتوده‌ها توسعه دهد تا عیان حزب توده یکی ازراههای رسیدن به اهداف ارتجاعی خود را درشرایط کنونی، ظاهرشدن با نقاب و مقنعه یک مذهبی دوآتشه یافته‌اند: درشماره ۴۲ روزنامه مردم‌شعری است بنام "بیان شهیدان":

ظلمت ظلم پیشه جوخاش / ظلمت پرست بود سیه بود / ره سوی نوربست، ندانست / کجا بنجا خدا نشانه ره بود.

و دراین راه طبری نقش علمداری خود را حفظ می‌کند:

رهروئی بازگشته ز دلان بیجا بیج زمان / ... / و در میان همه کوره‌ها که به دوزخمی پیوندد / زهی آن تیرا زهنا بناک که به مینوی خدا وندی انجامد / شماره ۳۲ - ۱۲۵۱ ماه ۱۳۵۸ - مردم

آری تخیل رویزیونیستی، در خدمت تیره کردن آکا‌های ما تریالیستی طبقه کارگر و روح ایده‌آلیسم مذهبی است. و این فعلیت با اهداف جا کرانه و سالوس‌کاری نفرت انگیزشان گره خورده است.

دیدگاه زیبایی شناسانه بورژوازی در آثار رویزیونیستها

در راه جنبه‌های گوناگون ضد انقلابی هنری که رویزیونیستها حزب توده مبلغ آند، بسیار می‌توان گفت تا بدلازم بوده که برای رفع خستگی لااقل به پارای "زجرات مضحک آثارشان اشاره می‌شد. "حزب سوسی‌های شاعران" توده "ای که حقیقتاً سناش جزئومه خبانت و سنگ است البته ما به مضحکه است. همچنین بهتر بود اشاره‌ای هم به لابی خوانی‌های شاعران رویزیونیست در گوش آن "جریکهای فداشی" می‌کردیم که با گراشات رویزیونیستی شان آنچنان به وقت آنان دامن زده اند که می‌سرایند:

راه جریک و راه فدایی / گرجسوی توده‌ی مردم / راه هبوط و جاه سقوط است / کشتن بگرد خوش شدن کم / و در آخر هم / یا بنده با حزب توده ایران !!

شماره ۱۰۷ - ۱۲۱۲ آذر ۱۳۵۸
اما پیش از این فرصت برداختن به اصطلاح اشعار رویزیونیستها نیست و تنها اشاراتی به کیفیت زیبایی شناسانه این آثار رویزیونیستی می‌کنیم:

زیبایی شناسی مارکسیستی به مانیسم و موزیک زیبایی آثار انقلابی را بطه‌ای تنگتنگ با مرییونده عمیق - شان با زندگی توده‌ها دارد. هنر مارکسیستی که بیانگر روحیات انقلابی طبقات مخروم، بیجانگالات و روحیات و احساسات پر شور و پرولتاریا و توده‌هاست. همواره از سرچشمه جوانان زندگی بهره می‌گیرد و به عشق آفرینش و خلافت هنرمندی‌اش می‌گوید. آنان فن و مهارت آفرینش هنری را که حاصل انباشت تجارت هنری در دوران متفاوت تاریخ هنر است با زیبایی‌های پایان ناپذیری که در زندگی و مبارزه توده‌ها کشف می‌کنند درهم آمیزند و دستاوردهای نوین شان را در خدمت انقلاب قرار می‌دهند. این هنرمندان در راه بطه‌سای کاردار کارخانه، در رابطه با ناخوشی زندگی در کشتزارها، در راه بطه‌با تخیلی که مشاقت زندگی است، زیبایی شناسی نوین را می‌سازند. کلمات شاعران شاعران، آهنگ موسیقی و نما بر پرده‌های نقاشی این نقاشان، همه و همه شحون از انکالی هنری است که



بدینگونه با واقعیت تماس ندارد. هنر رویزیونیستی اما تا توان از آفرینش هنری با روحیه‌ای انقلابی، که زیبایی‌های هنر در زندگی توده‌ها را کشف کند و خلافت نه با زیبا فریبندگی بورژوازی و حتی تجارتنی زیبایی شناسانه دارد. هنر تجارتنی می‌کوشد برای آنکه ایده‌های منحن خود را در ذهن انبوه‌نماگران ناآگاه فرو کند، براساس تمايلات کورشان سر بسا بدوا از انکال هنری با نازل - ترین کیفیات سودجوید. تا عیان حزب توده‌ای هم - چنین، در هنر خود از تخیل و نما و پرده‌ها، کلمات و نظمی که "مشرقی‌داری برای الفبا" می‌باشد رویزیونیستی سود می‌جوید. بگذریم که بسیاری از این لفاظیات مزه - سر قلمات و چیزهای پرت و حق با زبانه‌ای است که بیما مشرق قلب می‌شوند.

تخیل شاعران "توده" ای امروز، ناگاه از تصاویر اسطوره‌ها، احادیث و روایات مذهبی انباشته شده است. کلمات که عنصر اساسی شعرند در این اشعار از خور - جین فرهنگ ایده‌آلیستی بیرون می‌آیند و شعر پر - می‌شود از شیطان، ظلمت، جهاد کبر، خدا، الله اکبر، مستکبر، بهشت، اهرمن، اذان، بلخ، ... امروز آنچه که برای شاعران توده‌ای زیباست، نه نظر زندگی و طرافت‌ها و یا حتی خشونت‌های زبان توده‌هاست بلکه آنجیزی است که در خدمت ممان منحن آثارشان می‌تواند درآید:

مثلاً احسان طبری در تمویری، "انمان توده‌ای" را اینگونه وصف می‌کند:

آنانرا از پیش نمانخته‌اند / که خویشین خویش را می‌بازند / با تکب و تکرار / با جهاد کبر / با سلوک عارفانه. شاعران "توده" ای تا توان از انکالی زیبایی شناسانه در زندگی و مبارزه توده‌ها و سرودن به وزن و آهنگ نرفته در رنج و مبارزه، جوسان هنرمند - ان بورژوازی، زیبایی را در لابلای متون گردوغبار گرفته می‌بیند و تماماً طبری یکی از آثارش است که می‌کوشد نشانی فیر کند و با همه آنچه که از گاتنها، متون عرفانی، شتر جمع سعدی و قزاقان... موخنه شعرش را رنگ آمیزی نماید:

در پیش طلعت دا دورد... مستمندت به کام / گستره‌ات پدرا م / با زکشت نوینی به فروغ و فر / با رازی‌ها و سناهای دیگر.

این زبان اصحاب کف و مردگان از گور برخاسته برای "استاد" زیباست و روحیه ارتجاعی این "شاعران" کارا که به مضحکه می‌کشانند و ظاهراً به بیگانه‌گر فرتسن زبان معمولی، نتایج خنده‌آوری بسیار می‌آورد: در شماره ۵۷ روزنامه مردم "شعری" است که اینگونه شروع می‌شود:

مستکبران لندن و آمریکا / طاغوت‌های مستا مارا ته / و بعد اینگونه ادامه می‌یابد: ای دوستان خلیق خدا را / ... / زمین جنگ خانگی بهراسید... برای جلوگیری از طولانی شدن نقل قول به کلمات و قافیه‌ها به یک‌شماره "توده" ای بکار گرفته‌است و این چهار بیت مضحک را "خلق کرده‌است اشاره می‌کنیم: احرار، اسارات، خراطین، صهیون... اینست نمونه‌ای از درک زیبایی شناسانه شاعران توده‌ای که تخیل و زبان و نما و پرده‌ها همچون مفامین هنرشان، ارتجاعی، بی ارزش ووا بیگانه‌ساز است. طبیعی است که جاداشت بیشتر درین زمینه صحبت شود و از جهات گوناگون سیمارزش بودن این آثار فاشی گردد. لیکن بررسی مفصل تر را به فرصت مناسب‌تری وا می‌گذاریم و در همین جا به این مقاله پایان می‌دهیم.

بقیه از صفحه اول

چهره عربان ...

میتاق وحدت زمیننه افزودن حلقه های جدید بر زنجیر سرکوب و کما مل کردن این زنجیر را قرار هم آورد. بنی صدر با این حرکت خود، اولین گام را در جهت بهره بردن برده ربا و تزویر مکررات نمائی از چهره خود برداشت و نشان داد که از نزدیکی به نیروها نسی چون مجاهدین چه اهداف پلیدی را دنبال میکند. این حرکت در عین حال ضربه ای بود بر برده توهیم دموکراتهای خرده بورژوا. حداقل توده های آن - که چشم به تافتهای درون هیئت حاکمه دوخته و دل به دموکرات نمائی های بنی صدر بسته بودند.

درست اندکی پس از "میتاق وحدت" بود که این تعبیر موضع بنی صدر، و دارودسته اش بطور تمکینانه و تلویحی در مسقاه روزنامه انقلاب اسلامی (۴ تیر ماه) انعکاس یافت:

"یک پایه مهم و به نظر ما مهمترین پایه تشکیل جبهه اسلامی پایه ایدئولوژیک است. این جبهه نمیتواند ایدئولوژی اسلامی را بعنوان پایه مکتبی نداشته باشد... بنا بر این جبهه تنها با ایدئولوژی اسلامی باشد."

و سپس در توضیح بیشتر این "پایه مکتبی" اضافه میکند: "آن برداشتهای که اسلام را با غیر اسلام مثللاً مارکسیسم آمیزد و یا پیش و روش مارکسیستی و مادی به اسلامی بگرداند (روش است که منظور کسی جز سازمان مجاهدین خلق نیست) نیز نمی توانند در این جبهه قرار بگیرند" (مقاله روزنامه انقلاب اسلامی - ۴ تیر ماه)

در واقع خط منی ترسیم شده توسط "آیت" در نواریها و بیعبارت دیگر خط منی حزب جمهوری اسلامی در مورد برخورد به مجاهدین - این بار با توافق بنی صدر - در پیش گرفته میشود و بر هیئت حاکمه مسلط می گردد.

اما هنوز این اولین تجلی حرکت جدید است. و حرکات بعدی و تجلیات اصلی آن هنوز در پیش است. رژیم خود را برای یک تنها جدید به آخرین بقایای دمکراسی موجود در جامعه آماده میکند. ترس و وحشت رژیم از بر جای ماندن این بقایا و خطرات ناشی از آن که همانا رشد و گسترش روزافزون نیروهای دمکرات است نمی تواند او را به چنین هجوم و حمله جدیدی وادار نماید. قفا با ادا همه می باید... اندکی بعد رهبران "سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی" - که نه با زوی نظامی حزب جمهوری اسلامی مشهور است - به ملاقات آیت الله خمینی میروند. از مضمون این ملاقات در مطبوعات و رسانه ها هیچ خبری درج نمیشود، اما مطابق اخبار غیر رسمی، در این ملاقات رهبران این "سازمان" به آیت الله خمینی نسبت به خطر و گسترش پایه توده ای سازمان مجاهدین و نیز خطرات ناشی - بنی صدر با این سازمان، هتداری می دهند.

اندکی بعد آیت الله خمینی اولین پیام خود را که بهمانا به فرمان آغا زحمه جدیدی به انقلاب دستاورد - های آن است و این بار در محور حمله سازمان مجاهدین قرار دارد، اما در می کند. و تهدید به این سازمان می تا زود با اطلاق "منافق"، "اللقاطی"، "فد انقلابی" و "هدست دربار شاه"، "مخالف انقلاب" و

اسلام" و "واسته آمریکا"، تکلیف آنها را از نظر خود و رژیم روشن می سازد. در همین رابطه بطور تلویحی نیز به بنی صدر و دارودسته اش در باب "مناشات" با این "منافقین" و "دشمنان انقلاب اسلامی" هتداری میدهد و به آنها اخطار می کند.

"پیام آیت الله خمینی، ستودخت هیئت حاکمه از رشد انقلاب و آغاز گامهای بزرگتری در جهت سرکوب جنش خلق و نیز زوهای ایدئولوژی است. سد فتردگی روزافزون صفوف مد انقلاب در "بالا" و روشی بر نهند

مقاومه با اوائل انقلاب بطور قابل ملاحظه ای کمتر شده است که این مسرمتوا در نهایت به اسزای انقلاب (بخوان مد انقلاب!) مسرکورد. درسی این پیام، پیام دوم نیز با این عنوان "انقلاب اداری" از سوی آیت الله خمینی داده میشود که در واقع مضمون آن چیزی جز همان سرنامه گذاشتن "تغیبه" آیت دروا رسماسند: "با کاری" عما سرما رزو مترقی در یوش با کاری عما سر رژیم و بسته رژیم مسفور بنشین، که به من خاست قدرتمندان کونی پس از

بنی صدر با زیرکی یک بورژوا فرمیست در و راندیش، در پی آن بود تا با تکیه بر گرایشات لیبرالی و سیاست های متزلزل و ناپایدار عمده ترین نیروی دموکرات جامعه یعنی سازمان مجاهدین خلق، آنان را از متحدین کمونیست خود جدا کرده و به سمت خویش بکشاند.

تمام، کماکان در دستکاه اداری رژیم، بطور گسترده لانه کرده اند. این پیام، فرمان "با کاری" عما سر و بسته به تری و غرب را ما در می کند و همه منداسیم که منظور رژیم از عما سر و بسته به تری "چه کاری هستند! زسه هجومی زده در جبهه های جدیداً آغاز میگردد. از این پس حمله تبلیغاتی، سیاسی، عملی گسترده ای در جبهه های فوق، بخصوص بر علیه سازمان مجاهدین که تنها کنون از گردنهای حمله حادی آنها برکنار بود آغاز میگردد. روزنامه های ارتجاعی و بسته به جناح حزب جمهوری (از قبیل روزنامه های جمهوری اسلامی و آزادگان و...) زسه بکناری لحام گسینه تبلیغاتی و سیاسی خود را بر علیه مجاهدین پیش از گذشته آغاز میکنند و کینه دیرینه خود را نسبت به انقلاب و نیروهای مترقی به عیانترین شکلی منجلی میسازند. همه چیز حکایت از یک سوطه جدید بر علیه نیروهای انقلابی و آحرین سازمانها ندهای دستا وردهای قیام بهمن ماه دارد. همه چیز حکایت از بیشرقت خط منی ضد انقلابی "دکتر آیت" و در واقع "حزب جمهوری اسلامی" دارد. خط منی که اکنون دیگر بنی صدر را هم درکنار خود قرار داده و تحت پرچم خود در آورده است. حزب جمهوری اسلامی زمینه بکه تازی بیشتری را در قدرت و در مقابل به جناح بنی صدر دست میاورد. و در سودای آن است که تا شکست و ضربه ناشی از افتخار نو آریت را جبران نماید. و الحق که موفق است حرکت جدید آیت الله خمینی، در واقع سدرسی تقویت موضعی جناح حزب جمهوری در مجموعه هیئت حاکمه و پیروزی مقطعی خط منی سیاسی آن نیز هست.

حلقه های جدید به زنجیر سرکوب رژیم افزوده میگردد:

سرکوب سیاسی نظامی - جنش خلق کرد و بطور کلی خلقها، سرکوب نهادهای مترقی کارگران از قبیل شوراهای سندیکا های کارگری (همان نهادها که فدا ثیان خلق از آنها تقاضا کردند که بمنظور پیشبرد "مبارزه ضد امپریالیسم" تولید را در آن وا دهها افزایش دهند!)، تصفییه، اخراج، دستگیری... کارگران مبارزان کارخانجات، دستگیری و هجوم و سرکوب شدید انقلابیون کمونیست در تمام عرصه های مبارزاتی

بشتر مرزها و آرایش نیروهای انقلاب و صدا انقلاب و با لآخره سد فروریختن پایه عینی تمام آن نوهایی است که دمکراتهای خرده بورژوا و مخصوص رهبران سازشکار و متزلزل آنان را به ما دیده گرفتند. این مرزها، جدا کردن آیت الله خمینی از کل هیئت حاکمه و با آن جناحی که آنها او را ارتجاع میخواند و بطهیر عملکردها و اعمال "رهبران انقلاب" می دانست.

چرامی گوشیم این "پیام"، اسکان و حخت رژیم از رشد انقلاب و نیز زوهای انقلابی است؟ لازم نیست جای دوری برویم، ماما حداثت الله منتظری با رادیو دریاب "مجاهدین" در پی پیام آیت الله خمینی، بخوبی و بطرز ساده لوحانه ای از این وحشت و هراس برده برمی دارد و آن را عیان میسازد:

"... ما در این مدت نکمال کجدار و مریزای این گروهها رفتار میکردیم... تا اینکه کم کم دیدیم خطی دارند و آوج میگردند. و بیشتر من دلم برای جوانان مسلمان و مندین و علاقمند میسوخ که گول این گروهها را میخورند و عده زبا دی از آنها را میشناختم، که از روی علاقه به اسلام و مبارزه رفتند و در دامن اینها افتادند." (مصاحبه منتظری با صدای جمهوری اسلامی روزنامه انقلاب اسلامی ۱۵ تیر ماه)

سر مقابل روزنامه اطلاعات روز سه شنبه دهم تیر ماه نیز همین انگیزه و علت را به شکل دیگری بیان میکند و پس از جمله به "مجاهدین" و بد رستی! نشان میدهد که رژیم با مجاهدین از لحاظ ماهوی تفاذشتی ناپذیر دارد (اگر مجاهدین خود این را درک نمایند، که تنها کنون نکرده اند) و نیز بخوبی نشان میدهد که علت این هجوم چیست و ترس و وحشت رژیم زکجاست. او این علت را در عملکردهای مجاهدین میداند و تحت بند های ۲۰ گانه ای این عملکردها را ردیف می کند - و در یکی از آنها، که بخوبی پایه آن ترس و وحشت را نشان میدهد میگوید:

"تدبیر کردن مردم به انقلاب (بخوان ضد انقلاب!) از طریق بزرگ جلوه دادن اشکالات و نقضهای حکومت و انتخابات که منجر به خارج شدن دسته دسته مردم از صحنه انقلاب میشود (۱)، بطوری که تعداد دشرکت کنندگان در انتخابات اخیر، در

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدانیست



آنان را اعدام یا بنام غیاب کومینت چهل کردستان و چه دریا بزرگها (ارمنی اهورا)، ۱۰۰۰ کتون یا جلوه های جدیدی از هجوم رژیم کمیل مکرده، "با کناری" میارین کومینت و مدعی ارکا رخا جاب به "ساک سازی" آنها را در اجاب و دستگا هاداری رژیم کمترین می یابد (و آنها هم رسکا را نه در کنار کار می نماید) و اساسا بسته به رژیم گذشته (وحمله و سرکوب انقلابیون کمونیست با حمله و سرکوب آنها را به نیروهای دیکر با و نه ویژه ما زمان محاصره کما ملینر می نمود، و این سرکوب چه صورت تبلیغاتی، سیاسی، جسمی صورت نظامی اما به و کترین می یابد. در این مورد اخیر ما هیدویم که چگونه بلافاصله بعد از حمله آیت الله خمینی به ما زمان محاصره دریا ما و لیا اسوی دستجات ضد انقلابی با دستا ه و بسته به رژیم، به ما را گرفتار است محاصره و بطور ملحا نه حمله می!

اما جالبتر از همه موضوعی است که بتی مدرود ارو- دستهای در دایره موضعی خودی از "مناقی وحدت" آغاز کردند، گفتیم که حرکت جدید ارتجاع، در حال نشانه پیروزی خط منی و سرنا به حزب جمهوری اسلامی (که در جریان سوارایت نیز اتفاقا کردند) بود و کما می بود در جهت قدرت گیری بیشتر جناح حزب جمهوری در هیئت حاکمه و "جبران خسارات ناشی از شکست سیاسی اما بتی مدرینگز بقول "دکتر آیت فدرت" انطباق" با "ارتجاع" تنها رزبا دست (به نقل از نوادر کمر آیت)، برودی خویش را با این خط منی هماهنگ نمود و همدا با کل جناح دیکر در جنس سرکوب و هجوم جدید حسیرت جمهوری اسلامی و به عبارتی کل رژیم، ترک جست، این حرکت جدید در واقع ادایه تکامل یافته حرکت اوپس از "مناقی وحدت" بود. بتی مدرینقا مله پس از پیام اول آیت الله خمینی موضع خویش را نسبت به ما زمان محاصره جین اعلام کرد:

"التفاطنی خارج (جبهه) است و در مرز است و آنها که در داخل محدود هستند بسیار (در جبهه) ترک کنند،" (انقلاب اسلامی دوشنبه هجری ماه)

روزنامه انقلاب اسلامی از این پس با پیگیری روزنامه های "برادر" (روزنامه جمهوری اسلامی ...). روزنامه های که تا دیروز با دیگرها تماشا می های کاذب به رفقای خودی تاخت و از ما هدی بنظر تلویحی حمایت می کرد، شروع به حمله به ما هدی می کنند، و در اکثریت منظم حمله هیستریک تبلیغاتی حزب جمهوری اسلامی به این ما زمان پس از بیاهای آیت الله خمینی، فعلا نه ترکت مینماید. (بعنوان مثال نگاه کنید به مقاله ای در مورد فعالیت محاصره دین در کردستان، روزنامه انقلاب اسلامی چهارشنبه).

بدین ترتیب جناح های مختلف هیئت حاکمه در یک صف فترده و یک آوای مشترک برچم هجوم و سرکوب جدید را آغاز میکنند. هجوم وحمله ای که اگر چه تحول کیفی نسبت به گذشته در خط منی سرکوب رژیم موجود نمی ورد اما نقطه عطفی در این حرکت عمومی است. نقطه عطفی که در آن تعرض ارتجاع و ضد انقلاب به بیته های جدید تری گسترش می یابد و مرزهای میان انقلاب و ضد انقلاب با چهره و بیشتری عیان میگردد و برجسته می شود. نقطه عطفی که در آن رژیم جمهوری اسلامی و تمام جناح های آن، برده هز گونه دیکر تماشا می و از آرا دیخوا - هی و انقلابی گری را از جبهه و قبح خود به کناری می رند و چهره واقعی و عریان خود را بر ملا می سازند.

سخنی چند با سازمان مجاهدین خلق:

سازمان مدعییم که شما سز علیتر عزم شما بلاشکلها ن از دستم هاست خا که در ما زمان ما ندونی الواضع نمنواستند هم که در ما زمان ما ند. شما حمید، از دیدگاه ما و در چهار جوب تفکر، مینس و آرایی ما که از واقع، جبر چندان بعد و عزمی نبود، بلکه زحیر حوادت گذشته و مجموعه حرکات و اساسی رژیم در طول دوره ما مدارش، نظورا احبات باید در جمان

وصول کنید که شما سز سز نسز نسز نسز نسز نسز نسز نسز ما هست واقعی اس جناح (سی صدر) و عملکردهای آن در ما زمان بوده با شما کنید. قبول کنید، ناخستدر دهن بوده ها نسبت به آیت الله خمینی، اس "صدر برزگر واری" که اکنون انجمن آکارا کتبه سورانه به شما میارد، سوهم با دکرده اند ما او را زهر انقلا ب مداد میرا لسی "خلق" نسز نسز نسز نسز نسز نسز نسز برای "مکل کتبی" نه و نسز نسز، او را ما نسز

"پیام" آیت الله خمینی، سند وحشت هتیت حاکمه از رشد انقلاب و آغاز گامهای بزرگتری در جهت سرکوب جنبش خلق و نیروهای انقلابی است. سند فشردگی روزافزون صفوف ضد انقلاب در "بالا" و روشن تر شدن مرزها و آرایش نیروهای انقلاب و ضد انقلاب است.

و اتسع سن را بدین سسی خله های جدیدی - سواست رهمن سارد، جمله ما و کوش در جهی - سس "کلیف" فطمی شما جزئی از سواست عمومی سرکوب رژیم است که در انطباقی با ما هست واقعی آن دارد ما هستی که شما ما این لحظه و حداقل در مورد جنبش های آن (سناج سنی صدر آیت الله خمینی) از درک صحیح و در سن آن عاجز ما ندها و توضیح آن برای بوده - های حداقل هوادار خود استسکاف و ورزیده اند.

شما نخواستید تا در آن کونسی خود را خلاصه میخواستید "جوهر انقلابی خود را کما کان" محسظ نما شد - با رژیم کونسی و سا ما حها ای رنگارنگ آن درک نما شد و بر اساس آن به سس سناست و خط منی و سناست به حرکت خود سسند، و سسند دلیل هم بود که در این حمله محدودی غا لکتر سند، اس حشای تا سناست که قیل از آنکه شما مرزهای خود را با ضد انقلاب و دشمنان نوده ها (به آن صوری که شما از دشمنان خلق دارید و آنها را شما در ما میرا لیم آسهم شکل بر دین رژیم آن و ارتجاع کتبه خلاصه می کنید بلکه دشمنان جدید خلق و آنها که هم دشمنان واقعی امیرا لیم هستند و اکنون با نسز نسز سز سز در تساسی جدید آرایش جدیدی از نیروهای ضد انقلاب را بوجود آورده و با لاجره دشمنانی که شما آنها را "ملی" و دشمنان خلق میدانید ابروش کنید، آنها با شما به مرز بندی برداختند، قیل از آنکه شما نهاد سنی با پذیر و آنها کونسی خود را با ضد انقلاب روشن نما شد آنها به توضیح این تصاد سنی ما پذیر سز و خسدو با لاجره قیل از آنکه شما سرده هومی را که در این سسن ۱۵ ماه پس از قیام، نه تنها در جلوی دیدگاه خود بلکه مهمترین آن در جلوی دیدگاه خیل عظیمی از سزده های هوادار و غیر هوادار خود فرو کشیده اید، درید، آنها خود این برده را در دین و نسز نسز نسز نسز نسز نسز نسز ریا کارانه خود جین کردند.

قبول کنید که در طی این مدت نقش بزرگی در متوهم کردن توده ها ایفا کرده اید، خط منی شما در طی این مدت یک خط منی راست روانه و لیسرالی بوده است. این را در گذشته با راه گفته ایم و اکنون نسز نسز حوادث بخوبی صحت این ادعا می ما را عیان ساخته است. قبول کنید که شما در طی این مدت بجای اتکا به توده ها، به سناست های "بالا" چشم دوخته بودید. وسناست و خط منی خود را بر اساس این تصادها (ونه تصاد میان "بالا" و "پائین") بی ریزی کرده بودید. قبول کنید که سنگ آسیاب، فریبکار ریاکار ریاکار ریاکار ریاکار صدر و در دستهایش در پوشا بدن چهره واقعی خود شده اید.

طفا و هشت خا که فرادادند، از امای ما هست اعمال و کردار روزانه واقعی ما زمان او وکل هتیت خا که استسکاف و ورزیده و آرایسا نسز سناست در صد امیرا لسی خلق تصور کردند، در حال سکا و خودی که از برزگر نسز سناست سسرا ه ما زره واقعی خلق بود ما سنی نه سناست بلحاظ وجودش در کل قدرت سیاسی و هشت خا که، بلکه همجنس بدلیل سد عظمی که در برابر سز نسز سوهم بوده ها تا بسول به ما مل مذهب ایجاد کرده است شما به سیم خود اس ما ع را از سز بر دنگان نوده ها که نیز در دینکا شنید که ما هست عریان آن سز ما حده کنند. و این دوسر خوردنما به سنی صدر و آیت الله خمینی تا بدین بزرگترین انحراف شما در طول فعالیت این دوره ما زمان ما ند، سنی صدر ما تکمه بر همین سوهم و سز رنگارنگی شما رهبران محاصره دین، کوشش نمود تا آت بطور سز اعمال و کردار سز و سز و سز سوهم رسد، سناست بر همین سوهم بلان نمودن از شما بلنگانی برای قدرت طلبی هوسی در میان شما جناح دیگر سناست سز و سناست سز هدر برداری ما سناست به سن درد ادب شما ما هست واقعی جناح سنی صدر را به فرا موشی سر دین و خط سز و سز رفتم سنی و منطق "جماق و سنان سز سنی" او را که شما به همین دلیل خطت فریبکار سناست را با خود حمل میگردانید، نگاه کنید. شما اتحاد عمل اساسی و ما هوی میان کل هیئت حاکمه میان جناح سنی صدر از حزب جمهوری اسلامی و خمینی را نادیده گرفتید و وحدت اساسی آنان را در با سزای نظام سز ما به داری و بسته و سرکوب انقلاب، سناست اعماض نسز سز سز، سناست سنی صدر را در زنداندید و از اوتو فاع دا شنید که:

"فاطه های نظری را که تا کنون بین خود و قسطنطنیه راست نشان داده اید، فطما به در عمل نیز با فطما" کما مل ستمهای امیرا لسی به سز و سز سناست رساند. "و تسهیح و چه در ما ارتجاع و لیسرا لیزم نینفند و الا اساسی قدرت و با به حکومت خود را نیز منززل خواهد نمود." (مجاهد - شماره ۲۲ - ۱۶ سبتم ماه)

و این نشان میداد که تا چه حد از درک ما هست واقعی این سز و سز رفتم سنی خله کر غافل هتیبند و نسبت به آن در سوهم سز سز و ما در مقابل اس سز توهمات شما می گفتیم که:

"میان ما نسز نسز سنی صدر و جناح حزب جمهوری اسلامی و سز سناست سز سز سز سز سز سز سز که سناست از منافع مختلف آنان است وجود دارد."



ولی آنچه که اساسی است این است که هر دو با هم فوق دارای یک ماهیت طبقاتی بوده و هر دو با هم بر زمین سرمایه داری وابسته عمل کرده و در پی آنند تا در آینده نیز عمل نمانند. بر همه کس روشن است که از قیام این سوهردو با ندر در چارچوب هیئت حاکمه پیوسته علیه انقلاب توده ها و جنبش طبقه کارگر حرکت نموده اند. بر خلاف نظرات نحرافی رهبری سازمان مجاهدین "فصله های نظری بنی صدر و دیگران نه فاصله بین ترفیخواهی و ضد انقلاب است، بلکه تفاوت در چگونگی سرکوب جنبش خلق و چگونگی اداره نظام سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است و از آنجا شکی نیست بنی صدر جز یک مشی بورژوازی چیز دیگری نیست. مطمئن باشید علیه غم شما عوام فریبی ها و دغلیکاریها، هرگز و هرگز بنی صدر با راستش نمیتوانند در عمل تا "قله" ماکام مل ستعهای امپریالیستی" صعود کنند و مبارزه ضد امپریالیستی را در عمل اثبات نمایند و نه تنها نمیتوانند این کار را انجام دهند، بلکه مطمئن باشید و چربیا تا آنسی بطور مشخص تر نشان خواهد داد که راه بنی صدر، راه مبارزان است. راهی که برش از نظام وابستگی نمیباشد. (پیکار شماره ۴۴ مقاله "سازمان مجاهدین در دام توهمات لیبرالی")

آنها تاکنون سیر حوادث صحت گفتار ما و عدم صحت گفتار و رکودار شما را نشان نداده است؟ آیا حوادث اخیر نشان نمیدهد که "روز مندی" شما در این مورد که بنی - صدر "در دام ارتجاع" (منظور شما از ارتجاع حزب جمهوری اسلامی است) و لیبرالیست نیستند تا چه حدی باشد، بوج و توهم آلود بوده است. اکنون بنی صدر بطور آشکارا در برابر بردیدگاه حیرت زده شما دست در دست ارتجاع (و البته دست او در دستهای لیبرالیسم نیز که تازه گی نادر او از همان ابتدای قدرت گیری اش چنین دستی را بسوی لیبرالها دراز کرده و آنها را در پشت خویش بسیج نمود. چیزی که شما در طول این مدت نخواهید متوجه شوید تا آنجا که در این بیهوشی شما مبتلا زدن و اینبار مشترکا شما را نیز در کار جبهه انقلاب مورد یورش قرار میدهد. شما از ما هیئت نزدیکی بنی صدر به خودتان غافل بودید و بجای درک ماهیت واقعی این تاکتیک مزورانه، که در بالا به آن اشاره کردیم، از این تاکتیک استقبال کردید و در دام آن گرفتار آمدید. بیهوشی شما را ما نیز که در همین رابطه و بر اساس درک ماهیت بنی صدر و رکودار او می گفتیم: "حوادث بعدی با وضوح بیشتر نشان خواهد داد که زمانی که بنی صدر با راستش استفاده خویش را از شما بنمایند، شما را نیز مورد سرکوب خود قرار خواهد دادند." (هما نجا) آیا "حوادث بعدی" (حوادث اخیر) بخوبی صحت این گفتار ما را نشان نداده است؟ علاوه، شما تلاش نمودید که به طریق ممکن فاصله میان خود و انقلابیون کمونیست را حفظ نمائید و از هرگونه نزدیکی با آنها برای "بها نه" ندادن به ارتجاع خود - داری و زریدید! شما بجای اینکه دوستان واقعی خود را در میان این نیروها، یعنی انقلابیون کمونیست جستجو کنید، در جستجوی یافتن دوستان کا ذبی در میان هیئت حاکمه و لیبرالها پرتا خنید. شما جا بجا و واقعی خود را در جبهه نیروهای انقلابی بدرستی نیافتید و به باغوشی کردن این جا بجا پرداختید. اما سیر حوادث اکنون شما را مجبور میکند که موضع نشستن میان دو جنبش را با هم کنید. اکنون ارتجاع شما را وارد کرده

است که متحدین واقعی خود را انتخاب کنید و جا بجا همبستگی خود را روشن نمائید. این جای تاسف است که ارتجاع با بدچسب کاری را صورت میداد، قبل از آن که خود شما آگاه ها و با زدودن برده توهمات و تزویرات و گرایشات لیبرالی از خود دیدگان نشان به چسبند انتخابی مباردت میکردید.

بهر صورت سیر حوادث تجزیه را که شما همواره از پیش بینی و بدبختی نتایج آن هراس داشتید و از

اکنون ارتجاع حلات ردیبلانه و لجا مگسخته ای را بر علیه شما آغاز کرده است و برپا به آن میکوشد تا شما را به ماش و دست کشیدن از مبارزه انقلابی خود بسزای همیشه و در غلبیدن به آغوش ارتجاع فرا خواند. شما م جناحهای رژیم در سطوح مختلفا زبا ندر حزب جمهوری اسلامی، تا با ندینی مدرومینی و... و از خون این ارکستر سرکوب و تنها جاماند.

شما اکنون مورد آن حلات و تنها جامات آنسکارو

سرنوشت مجاهدین، با سرنوشت توده های آگاه خلق و انقلابیون کمونیست در واقعیت عینی گره خورده است. آنچه که مهم است این است که آنها بتوانند این واقعیت عینی را در ذهنیت خویش و لاجرم در خط مشی سیاسی خویش نیز متبلور سازند.

آن ظفره میرفتند اما دیت بخشد است اکنون شما در کنار سایر نیروهای انقلاب و در کنار توده ها، مورد سرکوب و یورش ارتجاع واقع شده اید. اکنون سرنوشت شما با سرنوشت کل انقلاب و کلیه نیروهای انقلابی و بخصوص انقلابیون کمونیست گره خورده است شما نمیتوانید از پذیرش نتایج تبعی این سیر اجتناب نپذیرید و حوادث ظفره بروید. زمان حاضر زمانی نیست که دیگر بتوان باز همه نشستن میان دو ضدلی و لاجرم با هم کشیدن برده توهم بر چهره خود دادا مه دادا به این حیات بینا بینی در عرصه سیاست و نام بخشد. اگر شما با هم خواستار این وضعیت باشید ارتجاع چنین وضعی را تحصیل نمیکند و قبا با ی اخیر که شما کان ادا مه دادا در نشان میدهد که با هم تحمل نخواهد کرد. او در مداد است که مرزها را روشن کند، و صفوف انقلاب را از ضد انقلاب متمایز سازد. و در این تلاش خود نیز پیگیر است. این شما هستید که اکنون با اید این مرزها را متغایلا و از جانب خودتان روشن نمائید و سرنوشت نهائی خود را تعیین کنید. راه دیگری وجود ندارد. راه سومی وجود ندارد!

ما آرزو مندیم که حد فاصل حوادث کنونی به اندازه کافی زمینه عینی جدائی از آن خط مشی متدلیبرالی و سازشکارانه، و بازگشت به یک خط مشی انقلابی و پیگیر برای شما فراهم کرده باشد.

ما آرزو مندیم که شما بتوانید از این آزمایش تاریخی که سیر حوادث در برابر شما گذاشته است پیروز - مند خارج شوید. موضع و موقع واقعی خود را در میان نیروهای انقلابی و در کنار متحدین واقعی خود یعنی انقلابیون کمونیست دریا بید. در این موضع گیری صراحت و شجاعتی در خور یک نیروی انقلابی را بدست آورید.

ما آرزو مندیم که حوادث اخیر، صحت گفتار شما و سایر انقلابیون راستین کمونیست در باب ماهیت هیئت حاکمه عمل کرده و کردار واقعی آنها و نیز مرز میان دوستان و دشمنان انقلاب را برای شما به اثبات رساند و نشان داد که شما در میان شما و رژیم جمهوری اسلامی اگر بخواهید که به جوهر انقلابی سازمان مجاهدین خلق ایران و میراث خونین گذشته انقلابی آن وفادار بمانید تضادی است آشتی ناپذیر و آشتی - گونیستی. حرکات اخیر در واقع اولین تجلیات و نمودهای مبارزانه با رابطه دیرینه و ما هوی میان شما (در جبهه انقلاب) و آنها (در جبهه ضد انقلاب) است. با شددوز آینه نیز با نمودهای بیشتر و با زتر آن روبه رو خواهم بود.

خشی قرار گرفته اید، که مدتهاست توده های آگاه و انقلابیون کمونیست، در معرض آن قرار گرفته اند. سرنوشت شما با سرنوشت این توده های آگاه و مطلق و انقلابیون کمونیست در واقعیت عینی گره خورده است آنچه که مهم است این است که شما بتوانید این واقعیت عینی را در ذهنیت خویش و لاجرم در خط مشی سیاسی خویش نیز متبلور سازید. آنچه که مهم است این است که، تا زمان این حلات لجا مگسخته را مظلوما نپذیرا نشوید و در برابر آن تمکین نکنید، چیزی که منتهای آرزوی ارتجاع است - بلکه آن را بسمت خود ارتجاع، بطرف خود رژیم برگردانید. در این صورت است که شما از سترابن مبارزه سترگ و زکوره ای آتما بسش تاریخی سر بلند و پیروز بیرون میآید. و صفوف دوستان انقلاب و نیروهای انقلابی را قوت و توانی فزون از گذشته می بخشد.

اکنون موقعیت حاس و خطر کنونی وظایف سترگی را از شما طلب میکند. اکنون جنبش انقلابی خلق و تمام نیروهای راستین انقلابی بسوی انقلابیون کمونیست، اینجا دومی را از شما طلب میکند که نشانه یک خط مشی پیگیر و انقلابی است. این خط مشی پیگیر، که اکنون شما را بخود می طلبد، از شما می - خواهد که:

- با تجدید نظر در خط مشی راست روانه و لیبرالی گذشته خویش چه در برابر هیئت حاکمه و چه در برابر جنبش انقلابی خلق و مبارزه طبقاتی جاری،
- با تجدید نظر در ارزیابی های نادرست نسبت به هیئت حاکمه (که آنها را "ملی" و در جبهه خلق ارزیابی میکردید) و وقوف و آگاهی بر ماهیت ضد انقلابی و ارتجاعی آن در کلیت خویش و کلیه جناحهای رنگارنگ آن،
- با تکیه بر مبارزه انقلابی توده ها در اساس سیاست خود و چشم برگرفتن از تضادهای درونی هیئت حاکمه و طرفداریست فرمیستی تکیه بر یک جناح بر علیه جناح دیگر و استفاده از این تضادها در گسترش مبارزه انقلابی خلق بر علیه کل رژیم حاکم و نظام سرمایه داری وابسته،
- با کشیدن مرز دقیق میان جبهه انقلاب و ضد انقلاب و زدودن برده توهم نسبت به نیروهای گمراهی کارانه خود را در جبهه انقلاب جای میزنند،
- با افشا و طرفداری از مبارزه دوستان دروغین چون بنی مدروما بر لیبرالها و... که چهره دمکراتیستی بخود گرفته اند و با یافتن دوستان واقعی خود در میان

چهره ...

توده‌ها و نیروهای انقلابی دیگر بویژه انقلابیون کمونیست یعنی کسانی که بیگترین نیروی ضد امپریالیست و انقلابی در جامعه اند، با زود بودن ملاحظات غیراقتلایی و دیپلماتیک در توضیح دوستان و دشمنان انقلاب و توضیح رابطه واقعی خودشان با انقلابیون کمونیست، و بالاخره با بازگشت به خط مشی مقاومت انقلابی خط مشی شرکت فعال در مبارزه طبقاتی توده‌ها و مبارزه مگر تیک - ضد امپریالیستی آنها بر علیه رژیم کمونیستی و حمایت از تمام جلوه‌ها و جنبه‌های واقعی این مبارزه در تمام ابعاد و بخصوص در حال حاضر در کردستان،

...
مشت محکمی بر دهان ارتجاع و بر بویژه کسانی که اکنون می‌کوشند تا با موج تهاجمات تبلیغاتی و فشار از هر سو بر سازمان‌ها، سازمان‌ها از موضع گیری قاطع و صریح بر علیه آنها و پیوستن به خط مشی انقلابی و بیگترین بر خردار و رادیکال‌ها با ارتجاع بکشانند، فرو کوبید.

این مسئله را نیز باید متذکر شویم که برخلاف تصور شما، تصور می‌کنیم که در طی این یکسال و اندی در آن گرفتار بوده‌اید، خط مشی سازگاران و تسلیم طلبانه تنها هرگز از موج تهاجم بر علیه شما نمی‌کاهد، بلکه همچنان و ناتوان بودی قطعی شما و تا به امروز کما کما کمالات شما با رژیم و خشنی کردن جوهر انقلابی شما، ادامه خواهد یافت. ادامه خط مشی سازگاران و تسلیم طلبانه و نفع‌گرا گذشته توسط شما تنها زمینه حلات ارتجاع را به شما وسیع‌تر کرده و ترخاوه شد ساخت. سیر و اضمحالت در طی این مدت محتاج این ادعا را بخوبی ثابت کرده است. شما در صورتی نمیتوانید این حلات را خنثی کنید و از گسترش آن و افزایش ولطافت و زیادت‌ها بیشتر آن بر خود و تمام کجکلی جنبش انقلابی، جلوگیری بعمل آورید، که به خط مشی مقاومت، به خط مشی بیگترین انقلابی بیبوندید و بطور قطع از هیأت حاکمه چشم برناید. "نشوری انحرافی" عدم شنج شما که آنچنان برنای می‌فروید، اکنون و با توجه به حوادث اخیر، بیش از هر زمان عدم صحت و نادرستی خویش را نشان داده است. این حوادث نشان داده این نشوری غیرمغزینیت خیر شما - که تا شیری در سیر حوادث نمی‌توانست داشته باشد - چگونه به ضد خودش بدل گشت و ارتجاع را در "شنج" آفرینی، به مفهومی که شما درک می‌کردید، جری تر ساخت. چرا که این نشوری بر پایه یک سیاست لیبرالی و سازگاران است مبتنی بود و به نفعی مبارزه طبقاتی و انقلابی توده‌ها بر علیه مظاهر واقعی سیستم سرمایه‌داری وابسته و رژیم حامی آن، می‌انجامید. و هر نشوری و سیاست سازگاران، در نهایت به آسایش بورژوازی می‌ریزد و از در برداشتن گام‌های قاطع تر جهت سرکوب هر جنبش انقلابی، جری ترمی یازد.

امیدواری ما این است که اکنون بیش از هر زمان دیگر کذب و انحراف این نشوری بر شما روشن شده باشد. آیا این امیدواری ما صورت واقعیت بخود خواهد گرفت؟ در این آرزوی خود چشم به آینده دوخته ایم!

بقیه از صفحه ۵
جنبش دهقانی ...

کنند و از طریق اعمال قدرت کارگران کشاورزی هرچه بیشتر اتحادیه‌ها و شوراهای را در یکا لیزه‌نمایند. آنچه که در این مقاله مورد بحث قرار دادیم، اصول کلی دربارهمهیت اقتدار دهقانی و وظایف نیروهای م. ل. بود. ما در آینده سعی خواهیم کرد تا راجع به جنبش دهقانی در کشور ما را مورد بررسی قرار دهیم.

(ه) - تجربه‌ای از این جریان را ما شوشه‌دون در - با راه انقلاب چین چنین توضیح می‌دهد:
"دهقانان مرفه ابتدا نسبت به اتحادیه‌ها بی‌تفاوت بودند و حتی مسخره می‌کردند. و لسی هنگامیکه اولین پیروزی‌ها بدست آمد و جنبش روبه پیروزی بود آنها کم‌کم وارد اتحادیه‌ها می‌شدند و حتی پس از آن نیز شور و شوق فراوان نشان نمی‌دادند. ... در سیر دستخشی که در روستا دنبال می‌شود دهقانان فقیر همواره نیروی عمده بوده‌اند. آنها چه در دوره فعالیت مخفی و چه در دوره فعالیت علنی همواره بطور فعال مبارزه می‌کنند. درست همین دهقانان فقیر هستند که بیش از هر کس دیگر رهبری حزب کمونیست را می‌پذیرند. آنها دشمنان سوگند خورده مستبدین محلی و متنفذین ثریا اند و بدون اینکه کوچکترین سربدی بخود راه دهند، به دزهای آنها حمله می‌کنند. ... این توده عظیم دهقانان فقیر که هفتاد درصد کشته روستا را تشکیل می‌دهند سون فقرات اتحادیه‌های دهقانی، بی‌شک است. مبارزه در سرتنگ کردن نیروهای فئودالیست و پیشاتازان بر افتخار ما در مبارزه انقلابی است که ما نهایتاً تا تمام ما نمانده است. ... از آنجا که دهقانان فقیر انقلابی ترین عناصر هستند، رهبری اتحادیه‌های دهقانی را در دست گرفته‌اند. در جریان دوره اول و دوم تقریباً تمام روستا و اعضای با شین ترین مدارج کمیته‌های اتحادیه‌های دهقانی، دهقانان فقیر بودند." (منتخب آثار ما شوشه‌دون، جلد اول، گزارش دربارهمه‌رسی جنبش دهقانی خونان)

واضح است که در روستاهای ما انقلابی ترین عناصر، پرولتاریا روستا است. مگر روستاها شیکه پرولتاریا - بای دهندا شنه‌با ندکه در این صورت دهقانان نهیدست نقش برجسته و انقلابی و درجه اول در میان افسار دهقانی روستا دارند.

لنین نیز در مورد شورا‌های دهقانی روسیه چنین می‌گوید:
"شوراها ابتدا دهقانان را من حیث المجموع متحدی ساختند. با شین بودن سطح تکامل و عقب ماندگی و جهل دهقانان نهیدست رهبری را بدست کولاکها و پولداران و سرما سهداران و روستا فکرا ن خرد بورژوازی میداد. این دوره دوران سلطه خرد بورژوازی یعنی متشوکها و سوسالیست رولوسیونرها بود."
(و. ا. لنین، انقلاب پرولتری و کاشتوکی مرتد)

کمکهای مالی دریافت شده

الف - ۷۵۰۰	د - ۱۷۲۰۰	ک - ۱۵۰۰۰
" ۳۱۸۰	" ۲۳۰۰	" ۸۴۱۰
" ۲۹۶۷۰	" ۳۲۰۰۰	" ۱۱۱۱۰
" ۱۱۰۰۰	" ۱۰۰۰۰	" ۹۴۰۰
" ۹۵۰۰	" ۲۱۹۰۰	" ۶۰۰۰
" ۱۶۱۰۰	" ۳۲۰۰	" ۳۵۰۰
" ۱۶۲۰۰	" ۲۶۸۰۰	" ۱۴۸۰۰
" ۲۱۱۰۰	" ۱۰۸۰۰	" ۲۸۸۰۰
" ۱۱۰۰۰	" ۱۲۰۰۰	" ۲۱۵۰۰
" ۱۰۹۰۰	" ۶۸۰۰	" ۲۰۷۰۰
" ۶۰۰۰	" ۱۱۲۰۰	" ۷۰۰۰
" ۱۱۰۰۰	" ۷۲۲۰	" ۱۰۹۹۰
" ۳۷۰۰	" ۱۷۳۰	" ۱۸۰۰۰
" ۲۴۴۰۰	" ۱۰۱۰۰	" ۶۶۰۰
" ۳۰۰۰	" ۱۳۰۰	" ۳۲۰۰
" ۶۰۰۰	" ۸۳۰۰	" ۱۱۰۰۰
" ۱۰۱۸۰۰	" ۵۸۶۴۰	" ۲۱۶۰۰
" ۹۴۰۰	" ۱۱۰۰۰	" ۱۲۸۰۰
" ۲۱۹۰	" ۶۹۸۰	" ۱۸۴۰۰
" ۲۳۰۰	" ۱۱۴۰۰	" ۱۹۸۰۰
" ۳۵۰۰	" ۱۵۹۰۰	" ۵۰۰۰ ۷۶
" ۱۰۷۰۰	" ۲۱۲۰۰	" ۶۰۰۰ ۴
" ۱۲۵۰۰	" ۱۷۰۰۰	" ۴۰۴۵۰ ۴

- ۱- رفقای (م. ل.) ۲۵۶ هدیما ن رسد. مستکرم.
- ۲- رفیق کارگران - ۲۴ ۵۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت کردند.
- ۳- رفیق E. M. مبلغ ۵۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.

بقیه از صفحه ۴
پیام ...

عجا و ارشین منا هده الجزایر نیروهای ملی و مترقی کرد را با سه رژیم بعث عراق معرفی می‌کنند! در طول دهالی که از سلطه خونین بعث عراق می‌گذرد چه کسی بیش از خلق کرد مورد ظلم و ستم و ستمها است؟ این رژیم جنایتکار فزاد گرفته است؟ چه کسی بیش از نیروهای اصیل و انقلابی خلق کرد علیه رژیم دیکتاتوری بعث مبارزه کرده است؟ آزادخواهان و نیروهای مترقی و مسخلمان ایران که از این جنایات بخوبی مطلعند، باید به مبارزه وسیعی علیه این ناپایدار و تحریکات سیراز شد و متوجه این نکته باشند که کسانی که در خارج رها ب حاکمه نیز به چنین سلیمانی دست می‌زنند عملاً در خدمت سیاست لجن پراکنی و تئوت کردن افکار عمومی مردم ایران قرار دارند.

خلق کرد بخاطرند و انقلاب تا تمام سراسر و کسب آزادی مبارزه می‌کند. وسرا و اریسمبا سنی گسترده توفعالترا همه انقلابیون و آزادخواهان ایران است.

دفتر سید عبداللین حسینی
۵۹/۳/۲۲

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

بقیه از صفحه ۱

اطلاعیه . . .

دریا سخ بهار مرلزوما مین وحدت جنبش کمونیستی ما با دوبرخورد روبرو هستیم:

اول - برخوردار که دریا سخ بهار مین مسئله میرم به صورت فرمالیستی عمل میکند، برخوردار که نمیخواهد عملا سختی بپیمودن راه وحدت را که از کوره گرم مبارزه ایدئولوژیک میگذرد، تحمل کند، بلکه دل به یک وحدت صوری و تجمع مکانیکی نیروها بسته است، در گذشته فاش رهمین جریان بود که کنفرانس وحدت، را بوجود آورد و عملا جریانهای موسوم به خط سه راه بر خورده کاری کفا نده و مدتی به خود مشغول داشت، نظراتی که در این کنفرانس را که میشد نظریات "اشتلاف"، همکاری - مبارزه ایدئولوژیک و "سازمان واحد همه و همه" تها می بودند که نظارت بر عمل روزمره مشکلات داشتند و از این لحاظ نه فقط کمکی به ابروحدت نمیکردند بلکه خود آلتی تریا و جوجا نشین مستگیری اصولی بسوی وحدت جنبش کمونیستی نیز میگردیدند.

دوم - نیروهای که در مجموع سمت و سوی درستی داشتند:



وحدت از طرف دیگر با عث گردیده که کم گروهی محفلی و گروهگراشی دزدرون بسیاری از گروهها و نیروهای جنبش کمونیستی با قبلی خود را از دست داده و گروهها در بی وحدت با نیروهای دیگر برآیند، این امر بخودی خود امر مثبتی است، اما این تمایل و حرکت وحدت طلبانه نمیتواند متغیلا گرایش و تمایل بنا - صحیحی را بوجود بیاورد که بر اثر آن امر وحدت ایدئولوژیک تحت الشعاع وحدت تشکیلاتی قرار گیرد. جنبش تاملی و گرایش که مسلمانا اثرات زبا نیا در ازمند

کوشش رفقا رفع و برخی دیگر که ریشه در ضعف جنبش کمونیستی بطور عمده و گروهها با طورا خاص داشت، همچنان در مقابل گروه باقی ماند.

اما ما اعتلای جنبش خلقهای ایران و حضور بیش از پیش طبقه کارگر در صف مبارزه و با تطبیع وظیفه سنگینی که بر دوش کمونیستها قرار میگیرد از یکسو و کمبود تجربه و شناخت گروه ما، نبود یک برنا ما اصولی، بصوص رشد لیبرالسم تشکیلاتی، و نا توانی رهبری از هدایت گروه و... از سوی دیگر موجب شده که گروه بیش از این نتواند به فعالیت مستقل خود ادامه دهد و وحدت ایدئولوژیک که ما من حفظ و گسترش هر تشکیلات انقلابیست بیش از پیش در گروه متزلزل گردد.

در همین رابطه جلسه فوق العاده مرکزیت تشکیلات گردیده و با جمع بندی از مشکلات و بحران تشکیلاتی حاکم بر گروه، این نتیجه حاصل شده که گذشته از ضعفهای خاص گروه، اصولا دوره فعالیت گروهی (محلی گراشی) سرانجام خود را میگذراند و گروهها می که ما دفا نسه خوا ستار مبارزه هستند میبایست در صدد وحدت با یکی از سازمانهای سراسری که با آن از جهات مختلف نزدیکی دارند برآیند.

نیروهایی که در درون کنفرانس نیز برتزه های انحرافی و اکونومیستی پای فشردند، امروز علیرغم اختلافات نه چندان کم اهمیت در زمینه سیاسی - ایدئولوژیک دور هم دیگر جمع شده و تترهای "اشتلاف" و همکاری مبارزه ایدئولوژیک و... را تحت عناوین دیگری مرحله اجرا در آورده اند.

روحیه محفلی و گروه گراشی در درون بسیاری از گروهها و نیروهای جنبش کمونیستی بار قبلی خود را از دست داده و گروهها در بی وحدت با نیروهای دیگر برآیند. این امر بخودی خود امر مثبتی است، اما این تمایل و حرکت وحدت طلبانه، میتواند متغیلا گرایش و تمایل ناصحیحی را بوجود بیاورد که بر اثر آن امر وحدت ایدئولوژیک، تحت الشعاع وحدت تشکیلاتی قرار گیرد.

بدنبال این تصمیم اکثریت در این نشست سازمان بهیکار در راه آزادی طبقه کارگر را بعنوان آلترناتیو اصولی که میبایست آنرا تقویت نمود از پاسی کرده و بعد از آن نتایج خرابی اعلامیه گروه که در رابطه با انتخابات "مجلس شورای ملی" بود، در ارتباط با این سازمان قرار گرفت و پس از طی یک مبارزه ایدئولوژیک و بدنبال تطابق مواضع سیاسی - ایدئولوژیک به وحدت با یکدیگر رسیدیم. لازم به یادآوری است که در این پروسه، فرد مسلط رهبری گروه که دچار لیبرالسم شده بود از مدام مسئولیت تصفیه گردید.

اگرچه جمع بندی فعالیت گروهی ما بعنوان یکی از گروههای کمونیستی و بویژه یک نیروی محلی که تا حدودی در ایران شناخته شده است ضروری است، ولی از آنجا که عدم حضور آشکار گروه ما در چند ماه اخیر، برشهای بسیاری را برای جریانات کمونیستی بوجود آورده بود و فعلا به اشتراک بین ما نیه پیسنده میکنیم، با شدت در فرضی دیگر جمعیت بهای لازم و تها رب این مدت را بطرفی دیگر در اختیار جنبش کمونیستی قرار دهیم.

خواهد داشت در حال حاضر میتواند بصورت جذب نیروها و عنا صرم، ل سمت خود، بدون توجه به معیارهای ایدئولوژیک - سیاسی تجلی یا بدکه با بدبا آن نیز جدأ مبارزه نمود، در خاتمه ذکر این نکته را لازم میدانیم که در این رابطه از وحدت های مقطعی گروهها با هم دیگر معیار اصلی تفاوت ما با لانفرموشی و مواضعی است که وحدت بر اساس آن صورت میگیرد و ملاک هرگونه اظهار نظری در باره جنبش وحدت های مواضع ایدئولوژیک - سیاسی طرفین وحدت خواهد بود.

با این توضیح ما ضمن اعلام وحدت با گروههای فوق اعلام میکنیم که ضمن ادامه کوشش برای وحدت با گروههای نزدیک به خود خط ایی ستر خود را در گسترش و تعمیق مبارزه ایدئولوژیک حول محوریت زین مسائل جنبش با هدف تحقق ابروحدت کل جنبش کمونیستی و تشکیل حزب طبقه کارگر ادامه خواهیم داد.

**بیانیه وحدت
اکثریت "یاران حیدر عمو اوغلی"
با سازمان پیکار . . .**

مواطنان مبارز کارگران انقلابی!
بیش از دو سال از فعالیت انقلابی گروه ما میگذرد، در این مدت تا آنجا که در خوان دا شتم، کوشیدیم در راههای زحمتکشان از سلطه امپریالیسم و ارتجاع داخلی کام برداریم.

از آنجا که جمع ما بصورت نا همگون و نزدیک رابطه محفلی بدون برنا به منظم کار خود را آغاز کرده، رشد و پرورش یافته بود، در طی پروسه فعالیت ما ن به مواضع و مشکلات بیشمار ری برخورداریم که برخی از آنها با تلاش و

بیش بسوی وحدت ما رکسیت - لنینیستها در جهات ایجا د حزب طبقه کارگر

نا بود با د نظام سرما به داری و بسته به ما میربا لبم برقرار با جمهوری دمکراتیک خلق

اکثریت گروه یاران حیدر عمو اوغلی

**مختصری از تاریخچه فعالیت
"گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر"**

شکل ما "گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر" یکی از

برخی از جریانهای خط سه راه ما با خود ما در درون این کنفرانس هر چند از افتادن به دنباله جریان خود بخودی یا نشده و نیز برخی التفاطها در نظریات بر کار نبودیم ولی جهت حرکت ما ناصحیح موانع نا درست و مستگیری بسوی ارشادیک ثنوری انقلابی و اصولی در ابروحدت بود و مضمون مبارزه ایدئولوژیک ما در کنفرانس در واقع بنیانگرایان واقعیت می باشد. به همین دلیل ما توانستیم ضمن مرز بندی با "اشتلاف" و همکاری - مبارزه ایدئولوژیک، بلافاصله با تتر پیشنهادی نادرست خود یعنی "سازمان واحد نیز مرز بندی کرده و اعلام نمائیم که هیچ شکل تشکیلاتی دیگر نیاید آلتی تریا شیو حزب گردد.

اما پس از اعلام هتکار کنفرانس با زهم و خط مشخصی فوق برآ خود رفتند، نیروهای که در درون کنفرانس نیز برتزه های انحرافی و اکونومیستی پها میفشردند، امروز علیرغم اختلافات نه چندان کم اهمیت در زمینه سیاسی - ایدئولوژیک دور هم دیگر جمع شده و تترهای "اشتلاف" و "همکاری - مبارزه ایدئولوژیک" و... را تحت عناوین دیگری به مرحله اجرا در آورده اند. اما ما سازمان ما که هر چند از مبارزه علیه این گرایشها تا نا صحیح در کنفرانس بود پس از تعطیل کنفرانس نیز علیرغم تکیه بر این اصل که هیچ تشکیلاتی دیگر نماییتی آلترناتیو حزب گردد، معذرا بطور طبیعی از وحدت با معارف و گروهها می که با سازمان نزدیکی سیاسی - ایدئولوژیک داشته اند، استقبال نموده است. و امروز شعاع لبم که اعلام نمائیم در حرکت چند ماهه اخیر بدنبال کوششهای متفلسی که از جانب ما و گروههای زیرین صورت گرفته است، دروا نسته ما با این رفقا به وحدت رسیده و این گروهها در درون سازمان ادغام گردند (که ما می این گروهها به شرح زیر است):

- ۱- اکثریت یاران حیدر عمو اوغلی
- ۲- گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر
- ۳- بخشی از "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"



ما بین وحدت را کامی بجلو در تحقق وحدت جنبش کمونیستی از پاسی میکنیم چرا که معتقدیم ضرورتها ی معینی از یک طرف و مبارزه ایدئولوژیک (در رابطه با

بخیه از صفحه ۱۴

اطلاعیه ...

مخالف متعددی بود که بعد از قیام حماسه آفرین ۲۲ بهمن با بهره‌مندی از انقلابی ایران گذاشت. محفل ما بدلیل نداشتن انسجام ایدئولوژیک، سابقه و امکانات مبارزاتی... حفظیت و اصولیت لازم را برای یک حرکت گروهی نداشت با وجود این به حرکت مستقل خود ادامه داد. انتشار نشریه "صدای کارگر" با همکاری "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر" و شرکت مادر "کنفرانس وحدت" بصورت ناظر اگرچه حرکت مستقل و گروهی ما را طولانیتر ساخت، ولیسی تجارب ارزنده‌ای برای ما به همراه داشت. بویژه شرکت‌کنندگان در بحثهای کنفرانس ما را هر چه بیشتر به اهمیت حرکت نقشه‌مندی مبتنی بر مضمون و برنامه (چیزی که ما فاقد آن بودیم) آگاه ساخت. در ضمن مشکلات ناشی از فعالیت سیاسی - تشکیلاتی و انتشار یک نشریه که اثرات و قایلپشتیهای مابسی بیشتر بود ضرورت برخورد به حرکت محفل را هر چه بیشتر تریح نمود.

بدین ترتیب شکل ما بعد از هر چند ماه حرکت مستقل و غیر اصولی به انحراف اساسی خود که ترکیبی از پراگماتیسم و لیبرالیسم بود و با آن به مبارزه برخاست. به این ترتیب با ارزیابی اوضاع و احوال سیاسی جامعه و جنبش ما، اول و با نفعی حرکت مستقل، امر پیوستن به گروهی نزدیک به خود را بر اساس سنگبسیری پروتئوری در دستور کار خود قرار دادیم. بر این اساس بود که پس از گذراندن یک برنامه سیاسی - شورویک مبارزه ایدئولوژیک درونی و بدنیا ل رسیدن به وحدت ایدئولوژیک - سیاسی، مواضع و مثنی "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" را بعنوان تشکیلی که دارای هسته غالب پروتئوری است پذیرفتیم و پیوستن به آن را طی نمودیم. این وحدت از آنجا که حول مثنی و مواضع مارکسیستی - لیننیستی صورت میگرفت و مابسی است هر چند کوچک در پاسخ به محل مسئله پراگماتیسمی نیروهای م.م و تقویت عنصر وحدت طلبی و مواضع اصولی در درون جنبش کمونیستی.

بدین لحاظ ما ضمن اعلام این وحدت امیدواریم که دیگر نیروهای جنبش کمونیستی نیز ضمن دامن زدن به مبارزه ایدئولوژیک اصولی سمت و سوی وحدت - طلبانه‌ای بر اساس پلان فرم پروتئوری اتخاذ نمایند.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر ایران گروه طرفدار جنبش طبقه کارگر

"اطلاعیه وحدت"
بخش انشعابی از
"اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"

در اوایل خرداد ۵۸ در پی دومین نشست عمومی اعضای گروه "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر" بخشی از اعضای این گروه، انشعاب نمودند. این انشعاب بر اساس انتقادیه مواضع روشنفکری و جدا از توده‌ای بود که علیرغم مبارزه ایدئولوژیک چند ماهه در گروه، ظرف اکثریت اعضای گروه تثبیت شده بود. بصورت پذیرفت. انشعاب گراشات روشنفکری در مواضع سیاسی اتخاذ شده در گروه و همچنین گراشات لیبرالیستی و پالیسیستی در گروه و سکتاریسم در تشکیلات موجب تسریع امر انشعاب و تجزیه سریمه‌ساز گروه گردید. وجود گراشات تا نام تشکیلاتی فسوق - الذکر به توده‌های متشکل حول گروه و هواداران امکان

آگاهی کامل از نقطه نظرات جریانات مختلف درون گروه - که تا آن زمان وحدت و مبارزه درونی اشان در درون گروه باعث وجود انتفاها شدی در مواضع و عملکردهای گروه شده بود - را نداده بود. اعلام جدا شدی - بخشی از اعضا به توده‌های سمیات و هواداران امکان داد تا با بررسی دودیدگاه مختلف بر اساس گراشات خود سنگبسیری نمایند. بدین ترتیب بتدریج بیش از نیمی از درمدا زرفقایی متشکل حول گروه که شامل کلیه هسته - های کارگری، عناصر صریح و پنهانی و در کارخانجات و برخی از عناصر وابسته به گروه می‌شدند. همچنین "سازمان زحمتکشان" که بعنوان هسته هواداران گروه فعالیت میکرد، اعلام جدا شدی نمودند. هسته‌های کارگری برخی از رفقای وابسته و اعضا منشعب از گروه - بر اساس مواضع مورد قبول متشکل شده و شروع به برخورد با سایر تشکیلاتی - م.م و در درون آنها "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" و "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان" - کومله - نمودند. تا بر اساس نزدیک شدن بیشتر به مواضع سیاسی - ایدئولوژیک، تطابق بیشتر با این مواضع وجود دیدگاه‌های صحیح تشکیلاتی هر یک از آنها، اقدام به ادغام تشکیلاتی با آنها نمایند. خطوط اساسی مواضع مورد قبول این رفقا عبارت بود از:

- ۱- رد رویزینوسیم خرووشجفی و سوسیال امپریالیستی بودن شوروی کنونی و وابسته‌دانستن حزب خاثن شده
- ۲- رد تئوری رویزینوسیتی و ارتجاعی به جهان
- ۳- طرد مثنی چریکی و تروتسکیسم و اعتقاد به کار سیاسی - تشکیلاتی بین طبقه کارگر
- ۴- اعتقاد به ملی و مترقی نبودن کل بورژوازی ایران.
- ۵- ضد خلق شدن حاکمیت کنونی و اعتقاد به اینکه پرولتاریا و متحدین آن باید پس از سرنگونی بورژوازی و متحدین وی جمهوری دیمکراتیک خلق را برقرار نمایند.
- ۶- مرحله انقلاب ایران در کارخانه و عدا امپریالیستی بوده و نیروهای شرکت کننده در انقلاب طبقه کارگر، کل دهقانان و اقشار خرده بورژوازی هستند. (در مورد خرده بورژوازی مرفه‌ستنی موضع ششمی وجود نداشت.)
- ۷- مرز بندی بین دو مقوله "مخلوق" و "مخدع انقلاب" در این مرحله بورژوازی کلا مرتجع و ضد خلقی بوده و ملی خرده بورژوازی مرفه‌ستنی ضد انقلابی است.
- ۸- اعتقاد به عمده بودن وظایف تبلیغی کمونیستها در جهت برقراری ارتباط سیاسی - تشکیلاتی با طبقه کارگر و ضرورت مبارزه ایدئولوژیک بر این مبنا در جهت آماده سازی شرایط عینی و ذهنی ایجاد حزب طبقه کارگر ایران.
- در پیرویه برخورد به مواضع سازمان کومله و رفقا به عدم مرز بندی قاطع و روشن این سازمان با رویزینوسیم مدزن و برخی دیدگاههای اگوتومیستی رفقا انتقاد داشتند، و مواضع سیاسی - ایدئولوژیک خود را به سازمان پیکار نزدیکتر میدیدند. از اوایل زمستان ۵۸ ارتباط فمائی با سازمان مزبور برقرار کرده و در طی پیرویه‌ای به مدت سه ماه بررسی دقیق مواضع و دیدگاه‌های یکدیگر در زمینه‌های مختلف پرداختند. از آنجا که جزمواردی جزئی که قابل برخورد در چارچوب یک تشکیلات بود، اختلاف نظردیگری نبود، از اوایل سال ۵۹ بطور کامل به سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر پیوستیم. پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر بخش انشعابی از "اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر"



توضیح در مورد شعر:
در پیکار ۶۱ همراهمان طرخی که بهیاد رفقای شهید مهدی علوی شوشتری، دکتر سمانعلی شریعی و منوچهر جعفری چاپ شده، قطعه شعری نیز از آقای علی میرفطرس درج شده است. متن سابقه به علت کم توجهی

گودتا ...

بخیه از صفحه ۲
کردن موج اعتراضات علیه سازمانهای بازاری شده سرکوب و بسوی ارتش که عمدتاً تنگنا و جناح بسنی صدر است. مواضع حزب جمهوری اسلامی را بر حمله گرفته - اند که عامل نا بسامانی اجتماعی است و زمینه گودتا را فراهم میکند.

توطئه گودتای اخیر و شکست آن همچنان که بسی - آمده‌هاش نیز نشان داد اتفاقاتی درونی رژیم را شدت بخشیده و "میشاق وحدت" دو جناح آن را خسته و ساخته است. اما در عین حال نباید زطر دور داشت که رژیم این توطئه و طرح ارتجاعی را که در آستانه اجرا است، انجام میدهد، بسکوی جدیدی برای تثبیت قدرت سیاسی خویش و قوام بخشیدن به پایه‌های متزلزل آن و سرکوب جنبش خلق و نیروهای انقلابی، تبدیل خواهد کرد. آثار روشنانه‌های این برش جدید رژیم از زمان روزهای اول شکست توطئه گودتا آشکار گشت. توطئه گودتای اخیر طبقاً آخرین توطئه ارتجاعی امپریالیسم بر علیه جنبش خلقی ایران و در پرتو جناح‌های درون جبهه‌ها انقلاب جهانی نخواهد بود. امپریالیسم آمریکا بنا بر ماهیت سیاسی خویش به مقتضای شرایط دست به توطئه‌ها شدی از این قبیل، که ارتباط آن را همین رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی فراهم آورده است. خواهد زد و تلاش کرده و خواهد کرد تا زمینه تحقق اهداف خاثنانه خود را فراهم سازد.

کمونیستها در عین اینکه با بدتوده‌ها رانسبت به این اهداف و توطئه‌های خاثنانه امپریالیسم جناح پیکار آمریکا، هشیا را وگامای نمایند، اما یک آن نباید فراموش کنند هدف اساسی این توطئه‌ها اگر هدف تاکتیکی و فوری آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی باشد، سرکوبی انقلاب، فشرده کردن جبهه‌ها، انقلاب بمنظور حفظ نظام را رنگرانه‌ای است که رژیم حاکم اکنون کمر به حفظ و دفاع از آن راسته است. بهمین جهت آنها ضمن مبارزه انقلابی در پیشاپیش توده‌ها، بمنظور خنثی کردن این توطئه‌های خاثنانه ارتجاعی امپریالیسم آمریکا یک آن فراموش نمیکنند که هدف اصلی مبارزه آنها در شرایط حاضر مبارزه با رژیم است که در اتحاد اساسی با امپریالیسم آمریکا، سرکوب جنبش خلق و بازاری نظام را رنگرانه‌ها بر ما به‌داری وابسته می - بردارد. کمونیستها با بدافشای هر دو نیروی ارتجاعی چه امپریالیسم آمریکا و محافل فوق ارتجاعی وابسته به آن و چه رژیم ضد خلقی حاکم، طبقه کارگر و توده‌ها را نسبت به منافذ مستقل خود آگاه سازند و با عزیمت از موضع مبارزاتی اشان را به صحنه مبارزه ملی و طبقه‌ای بر علیه امپریالیسم و وابسته‌ها و نیز با رژیم سیاسی کنونی، بکشانند. هرگونه غفلت از این امر هرگونه کوشش در جهت تضعیف و تخفیف این مبارزه تحت سیاستها و بیبانه‌های مختلف از جمله ملی و مترقی و عدا امپریالیست قلمداد کردن هیئت حاکمه، از آن دست که رویزینوسیتها و اپورتونیستها در آستین خود دارند، قربانی کردن منافذ انقلاب و توده‌ها و هم‌اواشی با رژیم کنونی و تبدیل توطئه‌های امپریالیسم به بازی جهت تحکیم قدرت سیاسی رژیم ارتجاعی کنونی است. کمونیستها با بدافشای این توطئه‌ها در جهت تقویت مبارزه طبقه‌ای و ملی طبقه کارگر و توده‌ها و متشکل کردن صفوف مستقل آنها در جریان این مبارزه پیوسته

در صفحه بندی، ترتیب درج شعربگونه‌ای انجام گرفته که گویا شعریا دنده بهمن است اعدا رفقای شهید سروده شده در صورتیکه قطعه مذکور از کتاب "آواهای تبسمی" سروده همین شاعر انتخاب شده است.

۴ سال زندان به جرم هواداری از سازمان

آری تعجب نکنید در رژیم جمهوری اسلامی همه چیز امکان دارد. ساواکها آزاد میشوند، سرپرندگان رژیمشانها هم آزادند زندگی میکنند، بسیاری از ساواکها درساواک جدید "ساواک" بکار گرفته میشوند فرماندهان شاهنشاهی در ارتش جمهوری اسلامی قرار میگیرند اما انقلابیون و مبارزان مورد بدترین آزارها و شکنجهها قرار میگیرند و زندانی و اعدام میگردند. حتی هواداری از سازمانهای سیاسی انقلابی جرم محسوب میشود. ورژیمی که ادعای آزادی میکند حتی داشتن یک نشریه "پیکار" را گناه قابل تنبیه میداند. این است ما هیت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی.

اما در خوزستان حکام شرع و مسئولین منطقه‌ای با دستور دولت و شورای انقلاب ارتجاعی تراز سایر مناطق عمل میکنند.

و نمونه‌های زیر نشان نمونهای از ما هستند ارتجاعی دادگاههای با صلاح انقلاب خوزستان است: **■ حسین نوروزی فقط بجرم داشتن یک عدد نشریه پیکار به ۶ ماه زندان محکوم شده است.** آیا این همان کاری نیست که رژیم شاه میکرد؟

■ رفقای هوادار حمید قیاسی و سیا مک حقیقت دانشجوین دانشکده نفت آبادان بجرم هواداری از سازمان و ۳ ماه پس از دستگیریشان هر کدام به ۴ سال زندان محکوم گشتند (حتما می دانید که رژیم شاه در سال ۵۵ به هواداران و حتی اعضای ساده سازمانهای انقلابی بین ۱ تا ۳ سال زندان میداد و رژیم جمهوری اسلامی از این لحاظ بجا و سبقت گرفته است!)

اما برخوردی که به رفتار فاش شده است به همین جا پایان نمی یابد. در طی ۲ ماه با زندان آنها در پلانکلیسی کامل بسر میبردند - شیوه‌ای که قبلا از آن یاد کرده ایم - و بعد اینکه وسایل زندگی این دو رفیق دانشجویی نیز مانند ساواک توقیف کرده اند و حاضر نیستند که آنها را به خانواده‌های رفقا تحویل دهند این وسایل عبارتند از یک ماشین پیکان، دو موتور (گازی و دنده‌ای) و یک جال و دیگر لوازم اولیه آنها. آنها این وسایل را همچون ساواک و معسومان غنائم جنگی پیش خود تقسیم کرده اند. البته این شیوه یعنی به غنیمت گرفتن اموال متهمین هم در مورد زندانیان سیاسی و هم در مورد زندانیان عادی انجام می گیرد و از این لحاظ نیز جمهوری اسلامی گوی سبقت از رژیم شاه را برده است.

و اما اگر رژیم شاه توانست با انواع و اقسام شکنجه و آزار زندانیان و اعدام انقلابیون و مبارزان مانعی در برابر آنان بوجود آورد رژیم جمهوری اسلامی نیز خواهد توانست.

توده‌های آگاه هیچگاه اجازه نخواهند داد که سرنوشته فرزندان عزیزشان این چنین با زبچه دست نشانی حاکم شرع و پادشاه طبیعتا بدستور رژیم عمل می کنند قرار گیرند و فیرا دا اعتراض خود را علیه

برچیدن دکه‌ها، سرکوب زحمتکشان

معنی ما من کار، در غیر این صورت اما دکه‌داری تا ما من واقعی کار ما است. اعلام میداریم که سرکوب دکه‌داران و ساط فروتنان آگاه است که در مبارزه بر حق خود ما مثل سرکوب‌ها نیستیم.

۱ - اهداف رژیم را در برچیدن ساط و دکه‌های خود برای همکاران ساواک و مخصوص توده‌های ساواک‌ها که احیاناً علیه ما ساط میشوند توضیح دهید.

۲ - با سرکوباری ساط‌ها و میتینگهای افکارانه دیگر زحمتکشان را برای حمایت از مبارزه خود جلب کنید.

۳ - مبارزات خود را در سطح شهرها تنگ نما کنید بدین ترتیب که سرکوباری میتینگ و ساط‌ها را تنها توسط دکه‌داران یک منطقه انجام میگیرند بلکه ما زحمتکشان دستفروش و دکه‌داران در یک روز و محل معین به چنین کاری‌ها شایع اقدامات ما است.

۴ - ضرورتاً با دو همبستگی هر چه بیشتر با همکاران ساواک و خود توضیح دهید بدین معنا که پیروزی مبارزات دکه‌داران زحمتکش تنها در پیروا حاد عمل آنها و جلب حمایت دیگر زحمتکشان امکان پذیر است.

۵ - ما باید در کمی پیشی‌هایی که ما مل خود را خواهشهای حق دکه‌داران زحمتکش از کلبه نیروهای انقلابی و مترقی میخواهیم که از مبارزات حق این زحمتکشان دفاع نماید و از کلبه هواداران میخواهیم خواهشهای عادلانه زحمتکشان را به ساط‌ها توضیح داده و در پیس مبارزه عادلانه در کنار آنها قرار بگیرد.

اروز پنجشنبه ۵۹/۴/۱۸ مقابله و دستگیری دکه‌داران زحمتکش در مقابل تصمیمات ضد انقلابی مسئولین آگاه گردید آنها منظور دستگیری در خیابانهای تهران برای آفانده و با شعارها شیطانی نظیر: اتحاد، اتحاد علیه سرما به دار - مرگ بر سرما به دار را مل هرگزانی، ما مل هر یکساری شهردار، شهردار را می سرما به دار - دکه - دار میبریزد، سرما به دار را میبریزد - مرگ بر آمریکا دشمن اصلی ما - در خواستهای عادلانه خود را بگوش خلق رسانده و حرکت مدخلقی رژیم جمهوری اسلامی را به ساط توده‌ها نشان داد. در این مبارزات که در انگسال نظرها را و بوحس و... ادا می‌افتاد است تا کسبون (یکشنبه) چند تن از زحمتکشان بشهادت رسیده و عده‌ای سیزدستگیر شده اند. در شما ره بعدگزارش مشروح مبارزه دکه‌داران زحمتکش را خواهد آورد.

ما زمان در رابطه با حملات اخیر رژیم دکه‌داران تهران و چند شهر دیگر، اعلامه‌های دادگهی آن ساط اشاره به اطلاعیه روز سه‌شنبه ۵۹/۴/۱۸ ساط با صلاح با کساری علل اقتصادی - اجتماعی وجود آمدن دکه‌ها را شرح داده و پس از اشاره به مسئله ساط‌داری که باعث روی آوردن زحمتکشان به دستفروشی و دکه‌داری میگردد، به توضیح این مسئله که منتهای اعلی آن سیستم سرمایه‌داری است، میپردازد. اعلامه به هدفهای رژیم اشاره کرده و دلایل ابراهیلوگری از فروتن‌ترها تا انقلابی و کمونیستی و حمایت از مبارزه‌داران مرده و همجنس با صلاح حل مسئله مبارزات ساط‌داران را ساط‌های شهرها ذکر کرده است. آگاه‌ها در اعلامه ضمن اشاره به آنها ما واهی رژیم دکه‌داران زحمتکش چینی رهنمود میدهد:

دکه‌داران و ساط‌فروشان زحمتکش!

رژیم جمهوری اسلامی بدینال ماها وعده و سرکوب خواسته‌های برحق شما، اکنون تنها ساط در آمدن راه هدف یورش همه‌جا به خود را داده است در اینجا ما ضمن پیشی‌هایی که مل از خواستهای شما

گرامی باد خاطره رفیق محمود مسعودی

با کمال تاسف اطلاع پیدا کردیم که یکی از هواداران صدیق سازمان رفیق مهندس محمود مسعودی مهندس مجتمع صنایع فولاد هواز، در اوایل سیرماه در یک حادثه رانندگی در حادثه با ساط تصادف کرده و جان خود را از دست داده است. ما ساطاً به همرا رفیق سکا زگرما فرد دیگری در این تصادف جان سپرده اند. رفیق محمود مسعودی مبارزی مهربان و خوشگرم و چهره‌ای محبوب در بین کارگران مجتمع فولاد هواز بود چرا که به آنها عشق می ورزید و همین خاطر در دل آنها جای داشت. درگذشت او تقداری است برای ما و بدینوسیله به خانواده رفیق مهندس محمود مسعودی و سکا زگرما دیگر کسی که در این حادثه جان خود را از دست داده اند، تسلیت می گوئیم.

اینگونه تحولات آشکارا بلندخواهد کرد. در حال حاضر بنی صدر مجبور شده است برای با صلاح رسیدگی به اعمال جلادانستانه دادگاههای احوال که مورد اعتراض و ساط توده‌های آگاه و خانواده‌های زندانیان و شهدا قرار گرفته است. فرستادگانی به خوزستان اعزام دارد. اما ما بنی صدر ما مغرب و نه هیچکس دیگر نخواهند توانست جلوسا زرات عادلانه توده‌های آگاه را برای آزادی زندانیان مبارزان انقلابی و برای اعاده حق شهیدانی که بجرم عشق به زحمتکشان به جوخه اعدا م سپرده شده‌اند، بگیرد. و فراتر از این هیچکس نخواهد توانست جلوسا زره خلقهای مبارز برای رسیدن به آزادی و استقلال کامل ما سدنا بد.



برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق